مجلهٔ

حقیقت

۴۰

سال هفتم شماره چهارم

رجب المرجب شعبان المعظم ۱۴۴۱ هـ ق

ثور و جوزا ۱۳۹۹ هـ ش

اپریل و مئی ۲۰۲۰ م

مهمترین عناوین این شماره:



یادآوری:

مجله در ویرایش و تصحیح مطالب نویسندگان دست باز دارد.
مطالب نشرشده در «حقیقت» انعکاس دهندهٔ آراء و نظریات نویسندگان آن مطالب است.
ادارهٔ مجله بدون سرمقاله مسؤلیت هیچ مطلب دیگر را برعهده نمی گیرد.

حقیقت

مجـله علـمی فـرهنگی جـهادی
سال هفتم، شماره چهارم
رجب‌المرجب و شعبان المعظم ۱۴۴۱ هـ ق
ثور و جوزا ۱۳۹۹هـ ش- اپریل و مئی ۲۰۲۰م

مدیر مسئول: احمد تنویر
هیئت تحریریه:
منصور تالقانی - موفق افغان - سعید بدخشانی
سید سعید - حبیبی سمنگانی - سمیع الله زرمتی
دیزاین: صابر بلوچ
صاحب امتیاز:
کمیسیون امور فرهنگی امارت اسلامی افغانستان





تماس:
Haqiqat_mag@yahoo.com
کانال تلگرام مجله حقیقت:
T.me/haqiqat_mag

فهرست مطالب



چه کسی در مسیر صلح سنگ می‌اندازد؟

در دهم حوت ۱۳۹۸ هش با امضای پیمان پایان اشغال به دست فرزندان اصیل کشور (امارت اسلامی) و جهت مهم اشغال (امریکایی‌ها)، امیدهای صلح سرتاسری و آرامش واقعی به سرزمین مظلوم افغانستان قوی‌تر از گذشته نوید داده شد، امارت اسلامی که همواره در چوکات شریعت با پالیسی و تعهد، امور جهادی خود را به پیش برده و می‌برد به مجرد امضای موافقتنامه خود را پایبند مواد اجرایی آن قرار داده و به تمام افرادش تاکیدا دستور صادر کرد که در اجرای پیمان کوشا بوده و بر مراحل آن صبور و مقاوم باشند که لله الحمد تا اکنون کدام تخطی بارز از سوی امارت اسلامی دیده نشده و بسیاری از ناظران بین‌المللی و کارشناسان امور سیاسی بر کنترول کامل امارت اسلامی بر افراد و نیروهایش و وفاداری آن به تعهد و اجرای مواد پیمان، مُهر تایید گذاشته و این احساسِ تعهد و پایمردی امارت اسلامی را تمجید و ستایشَ کردند.
لکن متاسفانه جانب مقابل چه امریکایی‌ها و چه ایادی اجیر آن (اداره کابل و نیروهای فاقد صلاحیت داخلی) وقتا فوقتا مرتکب تخطی‌ها، سرکشی‌ها و خروج از مواد صریح پیمان شده و باربار با اسناد معتبر (که همینک موجود و به مراجع ذیدخل هم ارائه گردیده) متهم به نقض مواد اجرایی پیمان گردیده‌اند؛ ولی امارت اسلامی افغانستان نه از روی ضعف بلکه از روی منافع علیای کشور و جهت ثبوت خود در راستی آزمایی»صلح واقعی و آرامش کشور« از خرد، عقلانیت، تدبیر، درایت، تحمل و بردباری کار گرفته و باربار به جانب مقابل (امریکایی‌ها) گوشزد کرده که باید مثل امارت اسلامی به تعهدات خود که در متن پیمان به امارت اسلامی و مردم افغانستان داده‌اند پایبند بمانند و سعی در نقض پیمان نداشته و در مسیر طولانی و پُر نشیب و فراز «صلح و امنیت» در افغانستان به جای سنگ‌انداختن و ایجاد مزاحمت، بهانه‌تراشی و درامه‌بازی، تسهیلات لازم را فراهم آورده و برای حل معضله افغانستان به جای عقبگرد به گذشته تاریک اشغال، به پیشرفت ایده‌آل در آینده روشن و امیدوارکننده این کشور گام برداشته و بیش از این ملت افغان را در خواسته‌های به حق و مشروع‌شان (که همانا پایان اشغال، اعاده استقلال و نظام شرعی است) به انتظار نگذارند.
بدون تردید دگر بر هیچ کسی پوشیده نیست که همه کاره تمام بدبختیهای امروز افغانستان اشغالگران امریکایی‌اند و آن موافقتنامه که امضاء شده و مواد اجرایی آن همانگونه که از یکطرف امارت اسلامی را ملزم به اجرای آن می‌کند از طرف دگر جهت امریکایی را نیز ملزم به اجرای آن تعهدات می‌کند و در این بین اسمی از اداره کابل برده نشده که امروز به بهانه اداره کابل، مواد اجرایی موافقتنامه به تعویق بیفتد و یا به تاخیر اجرا شود، پس باید جانب امریکا حیثیت سیاسی خود را بیش از این به بقای اداره پرجنجال کابل و چانه‌زنی‌های امتیازطلبانه سران آن، گره نزده و در حل مشکل، مشکل نو خلق نکرده بلکه برای حل بحران جنگ در افغانستان مطابق جدول زمانی موافقتنامه، سریع اقدام و دست به کار شود.
تخطی‌های صورت گرفته از جانب امریکا که متاسفانه روز به روز بیشتر هم می‌شود نه اینکه سبب حل معضله افغانستان نمی‌گردد بلکه هنوز سبب پیچیدگی بیشتر معضله شده و امریکا باید تا حالا به این درک رسیده باشد که امارت اسلامی صاحب پالیسی سرشار از حکمت و درایت بوده و با توکل بر ذات اقدس الهی، پشتیبانی ملت غیور و مجاهدین فداکار خود لحظه‌ای از آرمان والای خود فاصله نگرفته و از تعهدی که در قبال اسلام، شهداء، تاریخ و آینده خود دارند سر سوزنی عقب ننشسته و تا روز آخر با قربانی و فداکاری در راه آزادی کشور خود از هیچ چیز دریغ نمی‌کنند.
نقدا برای گفتمان بین‌الافغانی و اقدامات بعدی امریکایی‌ها باید طبق تعهدی که در موافقتنامه داده‌اند در رهایی بی‌قید و شرط پنج‌هزار زندانی مجاهدین در وهله اول اقدام نموده، از حمله‌های خودسر شبانه و بمباردمان‌های خانمانسوز که به تلفات ملکی انجامیده و جان هموطنان مظلوم را به خطر انداخته دست کشیده و طبق مقررات اصولی که در موافقتنامه صراحتا ذکر شده عامل بمانند.



چرا افغانستان افروزهٔ جنگ‌هاست؟

محمد داود مهاجر

بیش از چندین دهه است که مردم افغانستان با جنگ‌های سنگین خارجی و داخلی روبرو هستند. از جنگی دست‌های خود را نشسته‌اند که به جنگی دیگر فراخوانده می‌شوند؛ از این‌رو است که هزاران کشته، ده‌ها هزار زخمی، به تعداد بالایی معلولین، اقتصاد بسیار ضعیف و متکی به دیگران، نبود امنیت و عدالتِ پای‌دار، پایین بودن سطح سواد عمومی و هجرَت‌های مداوم و فراوان، جزو اثرات منفی این‌همه جنگ‌های خانمان‌سوز است.

تحمیل نظام‌های بیرونی

علت اساسی این همه کشمکش‌ها و نبردهای طولانی، دست‌های پلید خارجی و هوس‌پرستی‌های مستکبران و توسعه‌طلبان شرقی و غربی، با معیّت تعدادی اندک از افغانهای اجیر است.

بیشتر از چند دهه است که آنها نظام‌های مختلفی را بر مردم افغانستان تحمیل می‌کنند. در درازای این چند دهه، ایدئولوژی‌های گوناگون و سیستم‌های فکری و فلسفی متنوعی توسط آنها و خودی‌های تربیت‌یافته در دامن آنان، بر دوش ملت مستضعف ما گذاشته می‌شود، که سبب اصلی جنگ‌های چندین دهه در این خاک و منطقه است.

استعمار انگلیس

زمانی بود که یکه‌تاز میدان استعمار، امپراتوری بزرگ انگلیس، در مدت زمان طولانی از تاریخ ۱۸۳۹ میلادی تا تاریخ ۱۹۱۹ میلادی، در سه نوبت نسبت به توسعه‌طلبی‌های خود، پا در این خطه و خاک گذاشت و با ایجاد آتش جنگ‌ها در میان قبایل افغان، تلاش کرد تا سیاست داخلی و خارجی این کشور را در کنترل خود بگیرد و به‌نوعی این میهن پاک را لجن‌زار افکار فاسد و مسموم خویش قَرار دهد و با به‌یغما بردن عقاید و فرهنگ غنی این مردم، بخش اقتصاد و سیاست آن را نیز در دستان خود قرار دهد؛ اما دیری نپایید که این هیولایی که همهٔ کشورها را زیر سلطهٔ خود قرار داده بود، با مقاومتی سرسخت از طرف افغانان روبرو شد و با شکستی مفتضحانه رو به‌زوال رفت.

کمونیزم و اشتراکیت شرقی

ایدئولوژی و سیستم فکری اشتراکیت [کمونیزم] که سر از همسایگی افغانستان بلند کرد و با شعارهای فریبنده و عام‌پذیرش دنیا را به جنب‌وجوش انداخت و کشورها را یکی پس از دیگری بلعید، در ماه دسامبر ۱۹۷۹ میلادی به افغانستان حمله کرد و این خطهٔ اسلامی را به اشغال خود درآورد و بعد از حدود ده سال مقاومت و جهاد افغانان، در ماه فوریهٔ ۱۹۸۹ میلادی به اشغالش پایان بخشید.

آری، اشغالگران شوروی خواستند تا از راه افغانستان و با سیطره بر این بیشهٔ شیران، خود را به آب‌های گرم آسیا و منطقه برسانند، که ناگاه با سپاهیانی فقیر، اما با باوری محکم روبرو شدند، کسانی که هیچ‌وقت گمان نمی‌کردند از دست آنان پا به‌فرار بگذارند؛ ولی چنین شد که بعد از حدود ده سال جهاد و مبارزهٔ تنگاتنگ، جماهیر شوروی از هم فروپاشید و این اژدر خطرناک دوباره به‌سوی سوراخش با رسوایی جهانی، عقب کشید.

جمهوریت و دموکراسی غربی

در اوایل قرن کنونی (بیست‌ویکم) نیز غربی‌ها و در راس آنها آمریکا در تاریخ ۲۰۰۱ میلادی خواستند تا با آوردن نظام دموکراسی در این سرزمین، منافع خود را در منطقه حفظ کنند و مصالح خویش را در آسیا و کشورهای اطرافش از این دیار رهبری و کنترل کنند.

از اهداف مهم ایشان آوردن نظام دل‌خواه غربی و ربودن باورهای دینی و سست کردن آن در جامعهٔ افغانی بود و با بهانه کردن حادثهٔ یازدهم سپتامبر حضور فیزیکی خود را در قلب آسیا تثبیت کردند؛ اما باز هم تاریخ تکرار شد و مردمان این مرز و بوم نتوانستند تا ازبین رفتن عقاید و فرهنگ اسلامی خود را در قالبی جدید با نام دموکراسی شاهد باشند؛ از این‌رو به مقاومت پرداختند و همانند نیاکان خود جهادی تاریخی و سرتاسری را با پیشینه‌ای بی‌سابقه به‌پیش گرفتند و بعد از ۱۹ سال پیکار و مبارزه، آنها را به عقب‌گرد از جنگ‌طلبی و رو آوردن به گفتمان و دیالوگ مجبور ساختند.

دست‌های بیرونی دلیل آتش افروزی‌ها

اگر به کندوکاوی تمامی جریانات مذکور بنشینیم و به تفحصِ دقیق این جنگ‌ها بپردازیم، در می‌یابیم که عاملِ اساسی تمامی این خانمان‌سوزیها، دست‌های پلید بیرونی است. نوَدونُه فی‌صد مردم افغانستان را مسلمانان تشکیل می‌دهند و از میان این جمعیت بزرگ، بیشترین شان، که عموما در بخش‌های روستایی این خاک پهناور زندگی می‌کنند، دارای عنعنات و اصول فرهنگی اصیلی هستند که بر پایه‌های اسلامی استوار بوده و با رنگ کاملا دینی مصبوغ اند. از این‌رو هیچ‌گاه با عقاید و فرهنگ‌های شرقی و غربی کنار نمی‌آیند و همیشه در درازای تاریخ، با باورهای غیر اسلامی مجبور به مقابَله و پیکار گردیده‌اند.

تمامی ایدئولوژی‌های مخالف با اسلام هیچ‌گاه نتوانسته اند تا در این خاک جولان پیدا کنند و دوامی داشته باشند؛ زیرا گوشت و خون مردمانش با افکار دینی عجین گشته و از خود همیشه در راستای اعتلای آن، ایثار و جان‌فشانی‌های سترگی به‌نمایش گذاشته‌اند که صفحات تاریخ با آن زرین گشته است.

اشغالگران شوروی خواستند تا از راه افغانستان و با سیطره بر این بیشهٔ شیران، خود را به آب‌های گرم آسیا و منطقه برسانند، که ناگاه با سپاهیانی فقیر، اما با باوری محکم روبرو شدند، کسانی که هیچ‌وقت گمان نمی‌کردند از دست آنان پا به‌فرار بگذارند.

تمامی ایدئولوژی‌های مخالف با اسلام هیچ‌گاه نتوانسته اند تا در این خاک جولان پیدا کنند و دوامی داشته باشند؛ زیرا گوشت و خون مردمانش با افکار دینی عجین گشته و از خود همیشه در راستای اعتلای آن، ایثار و جان‌فشانی‌های سترگی به‌نمایش گذاشته‌اند که صفحات تاریخ با آن زرین گشته است.

راه حل فروکش جنگ‌ها چیست؟

تنها راهی که گره‌گشای تمامی مشکلات موجود در افغانستان می‌باشد، آزاد گذاشتن این مردم به آوردن حکومت دل‌خواه خود است. چیزی که این مردم می‌خواهند به‌پاداشتن حکومت اسلامی و یک نظامی بر مبنای قوانین شرعی است؛ تا آن نظام بتواند باورهای دینی مردم را پاسداری کند و حیات اسلامی آنها را در تمامی شئون رهبری نماید.

زمانیکه این خواسته به اجرا درآمد، آن زمان است که ما روی آرامش را صدفی‌صد در این خاک و در منطقه خواهیم دید.

لیکن تعداد کسانی که خواهان نظام‌های غیر نظام شرعی اند، بسیار اندک و انگشت شمار اند، آنها نمی‌توانند مزاحمتی ایجاد بکنند و یا جنگی به‌پا کنند. آنها یا به باورهای اکثریت قاطع این ملت احترام گذاشته و سر فرود می‌آورند، و یا به احتمال بیشتر به همان کشورهایی بر می‌گردند که از طرف آنان بسیج شده بودند.

امید است تا این آرمان ملت ما به زودیِ زود -ان شاءالله- برآورده شود. وما ذلک علی اللهَ بعزیز.

۲۰ شعبان المعظم ۱۴۴۱



نوشته: مولانا محمد مظاهری ندوی
مترجم: صابر بلوچ

بیان حقیقت با رعایت حکمت و مصلحت یکی از ویژگی‌های اسلام است که حکم قرآن کریم نیز است. از حضرت أبوسعید خدری رضی‌الله‌عنه روایت است: «أن النبی صلى الله علیه وسلم قال: ان من أعظم الجهاد کلمة عدل عند سلطان جائر.» (رواه الترمذي في الفتن: ۲۱۷۴)

ترجمه: از حضرت ابوسعید خدری رضی‌الله‌عنه روایت است که نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: بزرگترین جهاد آن است که در مقابل پادشاه ظالم حرف انصاف زده شود.

حق‌گویی خصلتی جامع و یک ویژگی اخلاقی است که این صفت مربوط به شجاعت می‌شود. همانطور که در میدان جنگ نیروهای مسلحِ دو طرف شجاعت و دلاوری خویش را به رخ می‌کشند، وقتی میان حق و باطل تقابل صورت می‌گیرد، با قدرت مشترک قلب و زبان صدایی که در حمایت از حق بلند می‌شود را حق‌گویی می‌نامند. (سیرة النبی: ۶/۳۶۷)

گفتن حق زمانی لازم می‌شود که حق از لحاظ مادی ضعیف و باطل قوی باشد. خداوند متعال در همین زمینه دستور به بیان حقیقت داده و خطاب به پیامبرش فرموده است: «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ * إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ؛ آنچه را مأموریت داری، آشکارا بیان کن! و از مشرکان روی گردان (و به آنها اعتنا نکن)! ما شرّ استهزاکنندگان را از تو دفع خواهیم کرد» (حجر: ۹۴-۹۵)

یعنی اکنون زمان دعوت مخفیانه گذشته و وقت دعوت علنی فرا رسیده است، پس علناً حکم خداوند را بیان کن و اگر مشرکین به تمسخر و استهزا روی آوردند، اعتنایی به آن نکن و از قدرت آنها هم باکی نداشته باش، خداوند برای تو کافی است. از این آیه مشخص می‌شود که ترس و هراس مانع حق‌گویی است و موارد متعددی ممکن است منشأ این هراس باشند؛ ترس بر جان، مال، ترس از سرزنش و... خداوند متعال با آیه‌ی «إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ» بیان داشته که

پروردگار پشتیبان حق‌گویان است و انسان حق‌گو نگران چیزی نباشد. در احادیث آمده که باری رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم برای بیان خطبه ایستادند و فرمودند: کسی که حرف حق را فهمید، نباید خوف و هراس مانع از گفتن آن باشد. (سنن ابن ماجه: ۴۰۰۸)

در جوامع مختلف انسان‌ها، خطرناکترین افراد حاکمان و پادشاهان ظالم و ستمگر هستند، به همین دلیل پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم حق‌گویی در مقابل آنها را بزرگترین جهاد قرار داده و فرموده‌اند: بهترین جهاد بیان عدل و انصاف در مقابل پادشاه ظالم است. (سنن أبي داود: ٤٣٤٤)

حق‌گویی صحابه کرام رضی‌الله‌عنهم

بزرگترین حق‌گویان صحابه کرام رضی‌الله‌عنهم بودند، هر آنچه را حق می‌پنداشتند بدون ترس و واهمه می‌گفتند، خوف حاکمان و پادشاهان نیز مانعی بر حق‌گویی آنان نبود. در روایتی آمده که باری «مروان» روز عید بر بالای منبر رفت و قبل از نماز به بیان خطبه پرداخت، شخصی برخواست و گفت: ای مروان! تو با سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم مخالفت کردی! امروز بر بالای منبر رفتی، حال‌آنکه در این روز منبر نمی‌آورند، قبل از نماز خطبه خواندی در حالی که قبل از نماز خطبه نمی‌دهند. وقتی ابوسعید خدری رضی‌الله‌عنه مطلع شد، فرمود آن شخص وظیفه‌اش را ادا کرده؛ من از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم شنیدم که فرمودند: هرگاه کسی از شما عمل خلافی مشاهده کرد، با دست و زور مانع شود، اگر نتوانست با زبان باز بدارد، اگر قدرت آن را هم نداشت پس در دل آن را ناپسند پندارد و این پایین‌ترین درجه‌ی ایمان است. (سنن ابن‌ماجه: ۴۰۱۳)

حق‌گویی خصلتی جامع و یک ویژگی اخلاقی است که این صفت مربوط به شجاعت می‌شود. همانطور که در میدان جنگ نیروهای مسلحِ دو طرف شجاعت و دلاوری خویش را به رخ می‌کشند، وقتی میان حق و باطل تقابل صورت می‌گیرد، با قدرت مشترک قلب و زبان صدایی که در حمایت از حق بلند می‌شود را حق‌گویی می‌نامند. (سیرة النبی: ۶/۳۶۷)

حضرت ابوذر غفاری رضی‌الله‌عنه نیز از حق‌گویان برتر صحابه بود؛ حق‌گویی ایشان به مرتبه‌ی کمال می‌رسید. حضرت ابوذر شخصی بود که در آغاز ظهور اسلام، وقتی مخالفت با اسلام و مسلمانان به اوج رسیده بود و مسلمانان با انواع مشکلات و مصائب دچار بودند، مشرف به اسلام شد و در کنار کعبه در جمع قریش با صدای بلند به بیان توحید پرداخت و تا زمانی که بر اثر شکنجه‌ها بیهوش نشده بود، ساکت نشد و به بیان حق ادامه داد. حتی شکنجه‌ها نیز باعث نشد تا آن انگیزه و حماسه از بین برود. روز دوم مجدد به اعلام توحید پرداخت و بازهم شکنجه شد. آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم در وصف ایشان فرمودند: زیر آسمان و روی زمین از ابوذر رضی‌الله‌عنه حق‌گویی بزرگتر نیست. (سنن ترمذی: ۳۸۰۲)

حق‌گویی اولیای کرام

بعد از صحابه، تابعین و تبع‌تابعین نیز این صفت بزرگ را اختیار کردند و جلوی هر پادشاه ظالم و ستمگری چنان استقامت و جرأت نشان دادند که صفحات تاریخ تا امروز به‌عنوان انسان‌های بزرگ و شجاع به آنان افتخار می‌کنند. امام ابوحنیفه، امام مالک، امام شافعی، امام احمد بن حنبل، امام ابن‌تیمیه، حضرت سعید بن

*** بزرگترین حق‌گویان صحابه کرام رضی‌الله‌عنهم بودند، هر آنچه را حق می‌پنداشتند بدون ترس و واهمه می‌گفتند، خوف حاکمان و پادشاهان نیز مانعی بر حق‌گویی آنان نبود.

*** بعد از صحابه، تابعین و تبع‌تابعین نیز این صفت بزرگ را اختیار کردند و جلوی هر پادشاه ظالم و ستمگری چنان استقامت و جرأت نشان دادند که صفحات تاریخ تا امروز به‌عنوان انسان‌های بزرگ و شجاع به آنان افتخار می‌کنند.

جبیر، خواجه معین‌الدین اجمیری، حضرت نظام‌الدین اولیاء، بابا فرید گنج‌شکر و... رحمهم‌الله از جمله افرادی بودند که فریضه حق‌گویی را ادا کردند و زبان را از هر نوع ترس و مانعی آزاد کردند. دنیا بهت‌زده شاهد بود وقتی حضرت سعید بن جبیر رحمه‌الله را به زنجیر کشیده بودند و ظالم‌ترین فرد آن دوران، حجاج‌بن یوسف با غروری فرعونی پرسید: اسمت چیست؟ فرمود: سعید بن جبیر، حجاج فریاد زد و گفت: نه! تو شقی بن کُسَیر هستی. سعید بن جبیر با بردباری و دلاوری فرمود: مادر من بیشتر از تو در مورد نامم آگاهی دارد. حجاج برآشفت و فریاد زد: تو هم بدبختی، مادرت هم بدبخت است... ایشان با اطمینان و صدایی رسا فرمود: فقط الله می‌داند خوشبخت و بدبخت کیست. حجاج از کوره در رفت و گفت: من زندگی‌ات را عبرتی برای دیگران قرار می‌دهم و به جهنم تبدیل می‌کنم. سعید بن جبیر فرمود: اگر من این اختیار را در دستان تو می‌دیدم که تو را خدا می‌پنداشتم. حق‌گویی و جرأت ایشان در تاریخ ثبت شده و تا قیامت چراغ راه دیگران قرار گرفت. (منشورات، به نقل از وفیات الأعیان: ۷۲)

آیا حق‌گویی در مقابل پادشاه ظالم واجب است؟

اگر بیان حق و حقیقت جلوی پادشاه ظالم با خطر جانی یا شکنجه همراه نباشد، آن‌وقت بیان حق واجب است. اما اگر امکان از دست دادن جان یا زندان و شکنجه وجود دارد و کشته شدن یا شکنجه شدن آن شخص به طور یقین باعث عزت و یاری دین می‌شود، در آن‌صورت مختار است؛ اگر می‌تواند بر مصیبت‌ها و مشکلات صبر و تحمل کند، حق را بیان کند و اگر می‌داند که توانایی و تحمل ندارد، حق‌گویی بر او واجب نمی‌شود. اما اگر با حق‌گویی فایده‌ای به دین نرسد، بلکه با بیان حقیقت امکان ضرر و نقصان به دین و اهل‌دین باشد، در چنین مواقعی حق‌گویی درست نیست. (برگرفته از مقاله شیخ حاتم بن عارف العونی «متی تکون کلمة الحق عند سلطان جائر جهاداً؟»)

(ماهنامه ندای حرم- مارس ۲۰۲۰ میلادی)





۱۹ سال پیش بتاریخ ۷ اکتوبر ۲۰۰۱ میلادی، امریکا با تعداد زیاد از کشورهای غربی ، عملا افغانستان را اشغال کردند و تمام دار و ندار حکومت نوپای امارت اسلامی را از بین بردند و اداره‌ء جدید را زیر سرپوش «جمهوری اسلامی» به سرکردگی چند تن از افغانهای غربگرا و به اصطلاح نواندیش، ساختند که با قوانین جدید کپی شده از قوانین ملل غرب و با معیارهای جدید که به اصطلاح خودشان با عصر کنونی سازگاری داشت، شروع به کار نمودند. ایشان در ابتداء اشغال کشور، شعار شان تامین امنیت منطقه و جهان، محو تروریزم بین المللی که خطر برای همه جهانیان است، تامین عدالت اجتماعی، دفاع از حقوق مساویانهء بشر اعم از مرد و زن و دفاع از آزادیهای بیان، عقیده و... بود.

دیری نپایید که همه شعارهای شان به کابوس و رویا تبدیل شد و تا امروز نمونهء عملی و خارجی آن را نه خود شان و نه دیگران مشاهده کردند و نه هم احتمال به واقعیت پیوستن آنها میرود اما آنچه از این شعارها که تا امروز از آن نسبت به شعارهای دیگر استفاده ابزاری و سیاسی صورت میگیرد و بر آن تاکید دارند، همان شعار حقوق بشر و دفاع از حقوق زنان می باشد.

پس از اشغال، رسانه های جدیدالتاسیس در افغانستان با تمویل و همکاری مالی و فرهنگی غول مستبد غرب، با استفاده از تمام وسایل و امکانات که در خدمت شان است با کمال جسارت و بی باکی آستین را بخاطر بدنام کردن اسلام بالا زده و شب و روز تلاش داشته و دارند تا حقایق و ارمغانهای جاویدانهء دین ما را به جهانیان معکوس جلوه دهند.

آنها نظام نابکار دموکراسی که برای جامعه بشریت جز فلاکت، بدبختی، فروپاشی نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی، چیزی دیگر به ارمغان نیاورد، را به شکلی جلوه دادند انگار تنها نظام که مدافع حقوق بشر و تامین نظم جهانی است، نظام دموکراسی بوده و هر آنچه را اسلام در مورد حقوق بشر و نوع زن بیان و حکم فرموده است، بی عدالتی بوده و ظلم و حق تلفی نسبت به نوع ضعیف بشر می باشد.

در این مقاله کوتاه، کوشش شده تا به مقایسه بین جایگاه و مقام و منزلت که اسلام برای زن قایل است و جایگاه و مقام که غرب و دموکراسی برایش قایل گردیده، پرداخته شود.

جایگاه زن در اسلام

جهان بشریت در حالیکه از اثر داوری های بیداد گرانهء تمدن های کهن، سرشار از ظلم و بربریت گردیده بود و تمام بشر بخصوص نوع زنان حالت بسیار بد و تاسف بار را می گذراندند، خورشید جهانتاب اسلام طلوع کرد و زنان را از آن همه مظلومیتها رهایی بخشیده و برای شان جایگاهی بلند را تعیین نمود و حقوق مهم انسانی که سزاوار طبیعت شان بود را مقرر ساخت. حقوق که نه در جوامع و مدنیتهای قبل از اسلام به خواب و خیال زنان آمده بود و نه در عصر پرآوازهء دموکراسی و حقوق بشر عملا به آن نائل گردیدند که در اینجا به ذکر چند نمونهء مهم از آنها اکتفا می نمایم:

۱– تساوی کامل در انسانیت

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوباً وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ » . (الحجرات : ١٣)

(اي مردمان ! ما شما را از مرد و زني (به نام آدم و حواء) آفریده‌ایم ، و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده‌ایم تا همدیگر را بشناسید (و هر کسي با تفاوت و ویژگي خاص دروني و بیروني از دیگري مشخص شود ، و در پیکره جامعه انسانی نقشی جداگانه داشته باشد) . بی‌گمان گرامی‌ترین شما در نزد خدا متقی‌ترین شما است . خداوند مسلّماً آگاه و باخبر (از پندار و کردار و گفتار شما، و از حال همه‌کس و همه چي) است.

این آیه عموم انسان ها را به کلمهء «ناس» ندا فرمود که در لغت همه انسانها را اعم از مردم و زن شامل می شود؛ پس ذکورت، انوثت، نسب و قبیله نمی تواند سبب برتری انسانها بر دیگری شود بلکه اساس و معیار فضیلت انسانها بر بعض، تقوا و پرهیزگاریست.

۲– اهلیت مالکیت و دخالت در امور اقتصادی

« لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُواْ وَلِلنِّسَاء نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُواْ اللّهَ مِن فَضْلِهِ إِنَّ اللّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيماً » . (النساء: ٣٢)

(مردان نصیبی دارند از آنچه فراچنگ می‌آورند و زنان (هم) نصیبی دارند از آنچه به دست مي‌آورند) این آیه بطور واضح کمال تساوی مرد و زن را در بهره گیری از مکاسب شان بیان می دارد و زن در مال و سرمایهء خودش هر نوع تصرف را از قبیل بیع، شراء، هبه، هدیه، صدقه و وصیت میتواند بکند.

۳– آزادی و استقلال در شئون شخصی و امور اجتماعی

پس از تحقیق و بررسی قرآن، حدیث و فقه اسلامی استقلال و حریت زنان در مسایل همانند تعلیم و تربیه، تصرفات مالی و حق ازدواج واضح و روشن می گردد و در بسا مسایل اجتماعی همانند امر بالمعروف و جلوگیری از منکرات و دعوت به سوی خوبیها و انتقاد از ظلم و جور حاکم مساوی و برابر مردان می باشد و آیات و احادیث که در این رابطه وارد شده، بطور عام ذکر شده است.

۴– حقوق فامیلی و خانوادگی

واضح و روشن است که زن در خانواده یا فرزند می باشد، یا مادر و یا همسر که هر یک از ایشان از نظر شریعت اسلامی در محیط خانواده محل رحمت، شفقت، عزت و کرامت بوده و دارای حقوق ویژهء می باشند که در رابطه به هر یک آنها آیات و احادیث زیاد وجود دارد و بیانگر اهتمام زیاد شریعت مقدس اسلامی به جایگاه و مقام آنها می باشد که بخاطر کوتاه بودن دامنهء مقاله از بیان آنها صرف نظر می کنم.

اسلام برای زن حقوق و ارزشی را قایل شده است

که هیچ مدنیت کهن و نوین به آن قائل نگردیده است ولی نظر به اینکه زن نوع مخصوصی است و بعض ویژگی های روحی جسمی او را از مرد متمایز می سازد، برایش بعض ملاحظات خصوصی دارد که به سرشت و فطرت و آفرینش او سزاوار است و آن اینکه مرد باید در بیرون خانه مشاکل تهیه غذا و مسکن و امرار معاش خود و همسر و فرزندانش را بدوش گیرد و در مقابل، زن از این همه تکالیف فارغ البال بوده و تنها با آرامش کامل در خانه به پرورش روحی و جسمی فرزندانش بپردازد تا از یک طرف محیط خانواده را به کانون گرم از عشق و محبت تبدیل نموده و الفت و محبت زناشوهری را افزایش دهد و به ساختار جامعهء خوب و سالم کمک کند و از طرف دیگر در جلوگیری از تبرج و آشکار ساختن زن زینت و زیبایی هایش را در انظار بیگانگان و قرار گرفتن بازیچهء افراد بی بند و بار و پوره ساختن خواسته های نامشروع آنان بسبب درهم آمیختن و نگاه های زهرآلود آنان نقش مهمی ایفا نماید و به حفظ کرامت و شرافت انسانی زن کمک کند.

جایگاه زن در جاهلیت نوین

کفر جهانی و سردمداران دموکراسی با سر دادن شعارهای برابری زن با مرد ، آزادی زن از بردگی مرد در امرار معاش، دفاع از حقوق زنان و تشویق در اختلاط آنان با مردان در عرصه کار و اجتماع و با وارد کردن اتهامات بی اساس و دور از حقیقت بر دین اسلام که حقوق زنان را پایمال ساخته است، کار را بجای رسانیده اند که زنان با کمال تبرج و بی حیایی در همه عرصه ها دوشادوش مردان قرار گرفته و سرشت و فطرت انسانی زنان را نادیده گرفته که فرجامش آن شده تا نظام خانوادگی از هم گسیخته و محبت و مودت زوجیت از

واضح و روشن است که زن در خانواده یا فرزند می باشد، یا مادر و یا همسر که هر یک از ایشان از نظر شریعت اسلامی در محیط خانواده محل رحمت، شفقت، عزت و کرامت بوده و دارای حقوق ویژهء می باشند که در رابطه به هر یک آنها آیات و احادیث زیاد وجود دارد و بیانگر اهتمام زیاد شریعت مقدس اسلامی به جایگاه و مقام آنها می باشد که بخاطر کوتاه بودن دامنهء مقاله از بیان آنها صرف نظر می کنم.

بین رفته و از حنان، عطوفت و شفقت مادری اثری باقی نماند و خانه دیگر محل آرامش و سکون نبوده و پیدایش اطفال نامشروع یک امر عادی و شیوع امراض مقاربتی مهلک و صعب العلاج جهان را تهدید کند.

بر اساس گزارشات؛ در غرب هر قدر که زنان وارد کار میشوند میزان طلاق بالاتر می رود... و به تدریج مردم از ازدواج فاصله گرفته و میخواهند بدون ازدواج رابطه داشته باشند. و طبق گزارشی، در ایالات متحده امریکا ۸۰ فیصد ازدواجها منجر به طلاق شده و ده ملیون تن بدون ازدواج زندگی می کنند و همچنین در امریکا از هر چهار مرد یک مرد به شریک زندگی اش خیانت می کند و از هر شش زن یک زن به همسر خود خیانت می نماید.

ادامه دارد...



روزنامه صبح کابل

گفتگوی اختصاصی روزنامهٔ «صبح کابل»

با (محترم) ذبیح الله مجاهد

سخنگوی امارت اسلامی افغانستان

عبدالرزاق اختیار بیگ

توضیح مجله حقیقت:
از آنجایی که مصاحبهٔ اختصاصی محترم ذبیح الله مجاهد صاحب - حفظه الله - با روزنامهٔ «صبح کابل» حاوی مطالب مهم و دارای محتوای عالی و موضوعات روز را شامل بود ادارهٔ مجله حقیقت بر آن شد تا آن را برای خوانندگان عزیز خود در این شماره از مجلهٔ حقیقت، انعکاس داده و بازنشر کند امید که مفید واقع شود.

اشارهٔ هفت صبح: افغانستان این روزها در شرایط ویژه و بسیار حساس قرار دارد، از سویی اختلاف‌های سیاسی داخلی موجب نگرانی مردم شده است، از سوی دیگر فشار بین‌المللی برای اجرایی شدن توافق‌نامه‌ی صلح امریکا و طالبان، حکومت را زیر فشار گذاشته است و بیماری کرونا نیز مصیبت مضاعفی است که همه را نگران و موجب وضعیت اضطراری و بالا رفتن قیمت‌ها شده است.
سرنوشت گفت‌وگوهای میان‌افغانی، جنگ و صلح با طالبان نیز مشخص نیست. روند آزادی زندانیان دو طرف نیز با تردید و کندی به پیش می‌رود. در یکی دو روز اخیر منشوری منتسب به طالبان از سوی برخی رسانه‌ها نشر شد که نگرانی‌ها را افزایش داد. برای روشن این مسأله و این که نظر گروه طالبان در مورد روند جاری صلح، گفت‌وگوهای آینده، آزادی زندانیان، امکان برقراری صلح و آینده چه است، با «ذبیح‌الله مجاهد»، سخن‌گوی این گروه مصاحبه کردیم.

صبح کابل: طالبان حاضر اند با هیأت مشترک تیم غنی و عبدالله به عنوان حکومت همه‌شمول، مذاکره کنند یا خیر؟

مجاهد: باید در این مورد موقف اصولی ما گفته شود، تا بر مبنای آن فیصله کنیم. امارت اسلامی افغانستان، اداره‌ی کابل را به حیث یک حکومت و یا نظام نمی‌شناسد. لذا به عنوان حکومت، با کسی مذاکره ندارد؛ ولی جهت‌های مختلف سیاسی در افغانستان، مجبورا باید با جهت‌های متنازع، گفت‌وگو کند، ما آن‌ها را جهت‌های افغانی می‌گوییم که در گفت‌وگوهای میان‌افغانی، همه‌ی

جهت‌ها می‌توانند صحبت کنند، به این خاطر، اداره‌ی کابل نیز می‌تواند به عنوان بخشی از همین جهت افغانی با ما مذاکره کند.

صبح کابل: آیا طالبان تأکید به برپایی امارت اسلامی دارند یا نام دگر برای نظام بعدی در نظر خواهد بود؟

مجاهد: باید یاد آور شوم که این فیصله، فیصله‌ی مردم افغانستان است، در مذاکراتی که ما آن را مذاکرات بین‌الافغانی می‌نامیم، نماینده‌های ما و نماینده‌های جانب مقابل، در این مورد تصمیم بگیرند؛ ولی یک چیزی که منحیث ارزش برای ما مهم است، نظام اسلامی است، نظام اسلامی باید منحیث کل در نظر گرفته شود، ما می‌خواهیم، مردم ما که در چهل سال گذشته قربانی دادند، به خاطر حاکمیت نظام اسلامی دادند، پس ما باید نظام اسلامی را مشاهده کنیم و یقین داشته باشیم که بالای کشور ما نافذ است. زمانی که نظام ساخته می‌شود، این که نام او نظام چه باشد، این به دست مردم است که باید فیصله کنند که در نتیجه‌ی مذاکره، ما شاهد آن خواهیم بود.

صبح کابل: در دو دهه‌ی گذشته، مؤلفه‌های مثل آزادی بیان، آزادی رسانه‌ها، حقوق بشری افراد، حقوق زنان، تحصیل و کار زنان، آزادی‌های مدنی، تساوی حقوق افراد، تساوی حقوق زن و مرد، قانون اساسی، ارزش‌های دموکراتیک، انتخابات و... به میان آمده که ارزش دانسته می‌شود، نظر طالبان در باره‌ی این مؤلفه‌ها چیست؟

مجاهد: قبلن هم گفتم که نظام اسلامی برای ما یک اصل است، برای افغان‌ها اصل است، چیزهای که در این سال‌ها تازه وارد شده، اگر مطابقت با قوانین دین اسلام داشته باشد، در تضاد قرار نگیرد، ما کدام ممانعت با ایشان نداریم. اگر چیزهای هم باشد که با نظام و قواعد اسلامی مطابقت نداشته باشد، ما اصلاحات آن را می‌خواهیم که باید اصلاح شود.

صبح کابل: اگر گفت‌وگوهای میان افغانی برگزار شود و توافق حاصل شود، شما می‌توانید ضمانت کنید که نیروهای تابع امر تان دوباره جذب گروه‌های دیگر نشوند؟

مجاهد: ما منحیث یک کتله‌ی واحد، در این نزده سال توانستیم که صفوف خود را منسجم بسازیم، زمانی که امارت اسلامی، تصمیم می‌گیرد، در همان بخش، همه‌ی نیروهای این امارت، تابع همان امر خواهد بود. از شریعت هم کسی نمی‌تواند تخلف کند، امارت اسلامی بالای تمام افراد هم کنترل دارد.

صبح کابل: شرایط پیوستن و مدغم شدن طالبان با نیروهای امنیتی و حکومت افغانستان چیست؟

مجاهد: باید یادآور شوم که ما نظام اسلامی را می‌خواهیم، ما نمی‌خواهیم که جزء از اداره‌ی کابل باشیم که در آن مدغم شویم یا جز آن‌ها باشیم. نظام اسلامی که ساخته می‌شود، تمام افغان‌ها باید جز همان نظام باشند که در آن ما هم نقش خود را خواهیم داشت، دیگر جهت‌های مختلف هم و نیروهای ما هم در دفاع از ارزش‌های نظام استخدام خواهند شدند.

صبح کابل: نظر شما در باره‌ی منشوری که این روزها منتسب به طالبان است مبنی بر راهبرد حکومت در آینده چیست؟

مجاهد: باید بگویم این منشوری که عنوان می‌کنند، شاید دست ساخته‌ی استخبارات اداره‌ی کابل، باشد، به همین خاطر است که از همان جا به رسانه‌ها نیز رسیده، ما به این نام و به این عنوان، هیچ گونه منشوری نداریم. امارت اسلامی در زمان حاکمیت خود، یک قانون داشت که به نام، دستور امارت اسلامی، یاد می‌شد که تدوین و چاپ شده؛ ولی آن‌هم نهایی و توشیح نشده، به خاطری که جنگ‌ها وجود داشت، دستور رهبری این بود که هر وقت جنگ‌ها تمام شود، دستور و قانون تعیین باشد، بعد از آن این دستور را توشیح می‌کنیم که اشغال امریکایی آمد. بعد از آن ما لایحه‌ی جهادی

داریم که لایحه‌ی جهادی ما، امور جهادی را تنظیم می‌کند و امور بعدی، جنگ را. پس این منشور چیزی است که ما به آن نو برخوردیم و شاید برای ایجاد تشویش ساخته شده باشد.

صبح کابل: از نظر طالبان توافق‌نامه‌ی صلح با امریکا در قطر چقدر ضمانت اجرایی دارد؟

مجاهد: تا حال که توافق‌نامه با کمی و کاستی پیش می‌رود، در جهت مقابل که امریکایی‌ها است، بعضی نواقص وجود داشت که ما برایشان گوش‌زد کردیم و دو روز قبل هم در این مورد بحث‌های جدی داشتیم که این تخطی‌ها وجود دارد؛ ولی این تخطی‌ها در سطوح فرعی است. در سطوح بلند کدام چیزی دیده نشده، از طرف ما تعهد کامل برای اجرای توافق‌نامه وجود دارد؛ ولی از جانب مقابل که ما باید می‌رسیدیم به گفت‌وگوهای بین‌الافغانی، تا حال آن شرایط فراهم نشده، شش هزار زندانی باید رها می‌شدند، تا ما می‌توانستیم فضای اعتماد را به وجود آوریم و به مذاکرات بین‌الافغانی بر می‌گشتیم. حال این به امریکا و اداره‌ی کابل مربوط است که نارسایی خود را در این مورد تکمیل کنند. ما امید داریم که همه‌ی بخش‌های توافق‌نامه عملی شود، ما از طرف خود متعهد استیم.

صبح کابل: از نظر طالبان توافق‌نامه با امریکا، یک توافق خوب است یا بد؟ چه ضعف و قوت‌هایی دارد؟

مجاهد: طبعا که این یک توافق‌نامه‌ی خوب بود که پس از دقت و بحث‌های زیاد، به نتیجه رسید، این توافق‌نامه‌ی است که در نتیجه‌ی آن، باید اشغال افغانستان به پایان برسد که یک دست‌آورد بزرگ در تاریخ کشور ما است. جنگ را کاهش می دهد؛ ولی شرط این است که این توافق‌نامه باید عملی شود.

صبح کابل: دورنمای صلح از نظر طالبان چگونه است و در چه شرایطی صلح موفق خواهد شد؟

مجاهد: صلح دو بعد دارد، یک بعد خارجی است، نیروهای خارجی در زمانی که گفته اند، باید افغانستان را ترک کنند، بحث دوم این است که افغان‌ها باید میان خود گفت‌وگو و بدون مانع حکومت را آغاز کنند. تا این گونه فضای اعتماد خلق شود. ما برای حفظ ارزش‌های مشروع و استقلال کشور و حاکمیت نظام اسلامی به شدت پای‌بند استیم. از طرف مقابل هم می‌خواهیم که هم‌چو پای‌بندی داشته باشد. از کدورت‌های گذشته، دست بردارند، با هم بنشینم، مذاکره کنیم، تا به نتیجه و مفاهمه‌ی خوب برسیم. امید است که همه‌ی جوانب، درس‌های خود را گرفته باشند.

صبح کابل: چرا طالبان به ندای درخواست کاهش خشونت و آتش‌بس حکومت افغانستان و جامعه‌ی جهانی پاسخ مثبت نمی‌دهد؟

مجاهد: اول، ما در توافق‌نامه یادآور شدیم که علیه امریکا کدام اقدامی نمی‌کنیم و تا حال کدام اقدام هم نکردیم. در بخشی که اداره‌ی کابل و جهت داخلی است، با آن‌ها تا حال گفت‌وگو نکرده‌ایم که به یک نتیجه برسیم. دوم، این که ما حملات خود را از ۱۰۰ درصد به ۴۰ درصد کاهش داده‌ایم. حملات فعلی در چهار بخش جایز است.

نخست، در جاهای که دشمن محاصره است، اگر اکمالات شود، ما باز جلو اکمالات آن‌ها را می گیریم.

دوم، در حالتی که دشمن بخواهد، پوسته‌ها را دوباره به دست بگیرد و مناطق تحت کنترل خود را گسترش دهد، ما اقدام می‌کنیم.

سوم، دشمن می‌خواهد که عملیات وسیع انجام دهد، ما نیاز داریم که از خود دفاع کنیم.

چهارم، حملات خودی است که در برخی جاها عساکر مخالف، می‌خواهد پوسته‌ها را تخریب کنند و یک دیگر شان را بکشند که این مشکل خودشان است. ما حملات کلان در شهرها تا حال انجام ندادیم. زمانی می‌توانیم حملات خود را کاهش و یا توقف دهیم که نشست بین‌الافغانی به نتیجه برسد.

صبح کابل: امریکا می‌گوید اگر صلح تأمین نشود و طالبان به تعهدهای خود مبنی بر پایان جنگ، آتش‌بس و صلح عمل نکنند، از افغانستان خارج نخواهند شد. نظر شما چیست؟

مجاهد: ما هم عین حرف را می‌زنیم؛ اگر امریکایی‌ها طبق توافق‌نامه عمل نکنند، ما هم با آن‌ها وارد جنگ می‌شویم. که قبلن هم جنگ داشتیم، بازهم به جنگ خود ادامه می‌دهیم.

صبح کابل: وقتی طالبان با امریکا صلح می‌کنند، چرا با نیروهای امنیتی افغانستان که مسلمان استند، می‌جنگند؟

مجاهد: این جا حرف از مسلمان و غیر مسلمان نیست. حرف این است که امریکا، افغانستان را اشغال کرده بود، ما اشغال را به پایان رساندیم؛ اما جلو نظام اسلامی خو گرفته شده، ما باید به مذاکرات بین‌الافغانی برسیم، صدای ما این است که باید شرایط گفت‌وگوهای بین‌الافغانی مهیا، آزادی زندانیان نهایی شود و مانعی در این مورد نباشد، هیأت تیم داخلی، اداره‌ی کابل و جهت‌های مختلف با ما بنشیند، تا نیاز به جنگ نباشد. اگر مذاکره نشود، طبعا آن‌ها در ارگ نشسته اند و ما در کوه، جنگ تا برپایی نظام اسلامی ادامه خواهد داشت.

صبح کابل: روند گفت‌وگوی تیم‌های تخنیکی طالبان و حکومت افغانستان برای آزادی زندانیان با حاشیه‌هایی همراه بود، مشکل دقیقا در کجا است؟

مجاهد: بلی، ما تیم تخنیکی خود را فرستاده بودیم، تا بر این روند نظارت کنند، نگرانی ما این بود که در بین زندانیان آزاده شده‌ی منتسب به ما، جنایت‌کاران حرفه‌ای آزاد نشوند، هم‌چنان افراد وابسته به داعش در این میان نباشند؛ چون در اداره‌ی کابل شفافیت وجود ندارد. به همین خاطر، ما یک تیم تخنیکی را فرستادیم؛ ولی اداره‌ی کابل برای تیم ما که سه نفر بودند، نیز مشکل ایجاد کردند. نگذاشتند که این روند به پیش برود و پروسه را مختل کردند.

صبح کابل: از نظر طالبان روند آزادی زندانیان دو طرف چگونه است؟

مجاهد: باید شفاف پیش می‌رفت، ما که هیأت روان کرده بودیم، تا زندانیان درست تشخیص شوند. حال با وجودی که روند جریان دارد، باز هم ما تشویش داریم. زندانیانی که رها شده، اکثریت شان برابر لیست ما است، ما هم در مقابل برای حسن نیت، ۲۰ تن از زندانیان جانب مقابل را رها کردیم. احتمالا این پروسه دوام خواهد داشت.

صبح کابل: شما گفته بودید که همه‌ی زندانیان آزاد شده، نظامی بودند؛ اما والی کندهار می‌گوید که همه‌ی زندانیان آزادشده غیرنظامی است، چگونه است؟

مجاهد: بلی، همه‌ی زندانی‌های آزاد شده، نظامی بودند. تاریخ دستگیری و پوسته‌های شان هم معلوم است. حتا کارت معاشات شان معلوم است. مشکل این جا است که اداره‌ی کابل لیست دقیق از زندانیان خود شان ندارد و درست نمی‌تواند تشخیص کند که نظامی است و یا غیرنظامی، تنها به لباس‌های شان می‌بینند.

صبح کابل: اگر گفت‌وگوهای صلح میان‌افغانی، تطبیق توافق‌نامه‌ی صلح و زمان بندی خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان طولانی شود، واکنش طالبان چه خواهد بود؟

مجاهد: اول باید دیده شود. اگر توافق‌نامه عملی نشود، بعد اقدام خواهیم کرد؛ اما ما فعلن مطمئن استیم که این روند به خوبی پیش خواهد رفت. جانب مقابل هم اطمینان داده اند که توافق‌نامه را عملی می‌کنند.

صبح کابل: طبق توافق‌نامه‌ی طالبان با امریکا، پس از خروج نیروهای خارجی از کشور، طالبان باید حافظ منافع امریکا در افغانستان باشند و با نیروهای دیگر مثل داعش بجنگند، برنامه‌ی طالبان برای آن مرحله چیست؟

مجاهد: این که گفته می‌شود، بعد از خروج نیروهای خارجی، ما حافظ منافع امریکا باشیم. در هیچ جای توافق‌نامه چنین چیزی نیامده است. فقط یک جای آمده است که بعد از خروج، از خاک افغانستان علیه امریکا و متحدانش تهدیدی نخواهد بود.

صبح کابل: برخی از طالبان، مثل ملا عبدالمنان نیازی، هیأت طالبان در قطر را نماینده‌ی طالبان افغانستان نمی‌دانند، نظر شما در این مورد چیست؟

مجاهد: بلی، او حالی یک فرد است که در گرو استخبارات اداره‌ی کابل است و پیش اداره‌ی کابل گروگان است. در هرات زندگی می‌کند، تحت پوشش اداره‌ی امنیت ملی کابل است. از امریکا برای شان پول داده می‌شود. حرف‌های او هیچ اعتباری ندارد.

صبح کابل: در میان طالبان رسیدن به صلح و آرامش چقدر جدی است؟ طالبان بیشتر دنبال جنگ اند یا صلح؟

مجاهد: نه خیر، نیازمندی همه مردم ما به صلح است، خصوصا ما، ما استیم که قربانی زیاد دادیم در راه آمدن صلح. قیام ما هم برای صلح بوده است. ما برای آمدن صلح بسیار جدی استیم.

صبح کابل: آیا طالبان به دلیل شرایط شکننده‌ی کشور برای ویروس کرونا، عملیات‌های خود را کم خواهند کرد؟

مجاهد: بلی، در ساحاتی که ویروس کرونا دیده می‌شود، برنامه‌های خود را داریم که جلو شیوع این ویروس را بگیریم. کلینک‌ها فعال است و پرسنل صحی با کمک نهادهای خارجی وجود دارد. بلی در ساحات که دیدیم مشکل ویروس زیاد است، می‌توانیم که جنگ را متوقف کنیم.

صبح کابل: برنامه‌ی طالبان برای تعامل با جامعه‌ی جهانی چیست؟

مجاهد: در این مورد، پالسی ما بسیار واضح و روشن است. امارت اسلامی و در مجموع تمام افغان‌ها نمی‌خواهند که علیه هیچ کشوری اقدامات داشته باشد، خودشان با جنگ‌های بسیار طولانی مواجه بودند و نیاز است که کشور دوباره ساخته شود، بازسازی کشور ما در بخش‌های مختلف نیاز به همکاری، کشورهای منطقه و جهان دارد.

صبح کابل: نظر طالبان در باره‌ی حقوق اقلیت‌ها در افغانستان چیست؟

مجاهد: اقلیت‌ها از حقوق بسیار ویژه در اسلام برخوردار اند. اقلیت حق زندگی، حق تحصیل، حق ملکیت و مصؤونیت جانی و مالی دارند. به عقیده و باورهای که دارند، باید آزاد باشند.





اقدامات صحی طالبان قابل توجه است

انجینر عثمان

طالبان از روزهای ابتدای راپور ویروس کرونا (موسوم به کوید ۱۹) مثل یک حکومت بر حال اسباب پیشگیرانه و روند جلوگیری این ویروس مخصوصا در مناطق و ساحات تحت تصرف خویش با به راه انداختن کیمپ‌های صحی جهت آگهی‌دهی عمومی، گردهماییهای مردمی، تحرکات کارکنان و پرسونل صحی دست به اقدامات قابل توجه زده که گاه بیگاه در رسانه‌های خبری و همچنین در صفحات اجتماعی خبرهای این دست از طالبان بسیار برجسته و مورد توجه و استقبال عمومی قرار گرفت.

طالبان در باره این وباء یا ویروس از منظر شرعی و صحی ضمن انتشار چندین بیانیه رسمی، بعضی مقالات علمی و تحقیقی نیز نشر کرده و در توصیه مردم به در نظرداشت توصیه‌های صحی جهانی در مورد علائم و نشانه‌های این ویروس کوتاهی نکرده و باربار با نشر تصاویر و فیلمهای مختلف از فعالیت در عرصه صحی مخصوصا در مبارزه با کرونا جدیت قابل توجه خود را نشان دادند.

البته طبق عقیده و اعتقادات اسلامی که مرگ و زندگی همه در اختیار و اراده خداوند متعال است و با یقین کامل به اینکه جز اراده خداوند متعال هیچ چیزی بشر را نفع و نقص نمی رساند اما با آن هم گرفتن تدابیر صحی و عمل به توصیه های پزشکی که با شریعت در تکر صریح نباشد هرگز امری خلاف شرع نبوده بلکه حتی در چنان شرایط توصیه شرعی و علمای دین همانست که به مسائل صحی توجه عمیق شود لذا طالبان نیز با تمسک به آن مسائل شرعی و ملاحضات عمومی در ارتباط صحت اجتماعی جامعه خود در مقابله با کرونا در مناطق تحت تصرف خویش به حد وسع تب و تلاش های قابل قدر صحی را در نظر گرفته و باربار به مردم با استفاده

از هر فرصت تذکرات جدی صحی را ابلاغ می کنند.
این کار طالبان باعث تثبیت و تقویت هرچه بیشتر مردم مخصوصا شهرنشین ها به اقدامات طالبان شده و آنهمه پروپاگند و تبلیغات دروغین که از طریق رسانه های زرخرید شب و روز در گوش ملت آواز خوانی دارند که طالبان مسائل نظام پزشکی را در مناطق تحت کنترول خود رعایت نکرده و یا در مجامع جهانی از آنها شکایت می بردند که مردم که در ساحات طالبان زندگی می کنند از نظر صحی در خطرات جدی قرار داشته و طالبان به کادرهای پزشکی و خدمات صحی اجازه فعالیت نمی دهند بر همه این چیزها طالبان با اقدامات درخشان صحی خود خط بطلان کشیده و با انعکاس گسترده فعالیت های صحی خود در صفحات اجتماعی و رسانه های آزاد هنوز اهمیت امور صحی توسط آنان را در چشم و گوش همه تا اندازه قابل ملاحظه بزرگ و برجسته نشان داد.
این همه فعالیت های که در چشم و گوش مردم تبلیغ شود و فعالیت های ملکی طالبان مثل فعالیت های نظامی شان و فعالیت های سیاسی آنان چقدر که خبرساز شود همان اندازه سبب شناخت بهتر مردم می شود تبلیغات زهرآگین دشمنان طالب رد گردیده که شب و روز در چشم و گوش مردم همواره می خوانند که طالب جز زبان زور و تفنگ دگر زبانی ندارد یا نمی شناسد اما همینکه اینگونه فعالیت های طالبان که واقعا قابل ارج و افتخار است برجسته و خوبتر تبلیغ شود تمام تبلیغات منفی گرایانه دشمنان آنها خود به خود رد شده و حقیقت بهتر از گذشته بر همگان واضح و روشن می شود.
الحمدلله که امروز ملت ما خود به لطف وسایل مدرن و پیشرفته امروزی از تمام اخبار و جریانات روز آگهی لازم را می توانند داشته باشند و بدون کمترین مشکل دقیق ترین اخبار را می توانند از چهار سوی افغانستان به دست آورند و خیلی زود بین دروغ رسانه های کابل و حقیقت گفته های طالبان و مردم و ساحات تحت تصرف آنها که چگونه تعامل و زندگی دارند معلومات به دست آورده و خود را نسبت به مسایل پیرامون زندگی شان واقف نگاه دارند.
طالبان هم چه خودشان چه انصار آنها و حتی گاهی چه خود دشمنان شان با نشر اخباری از آنها، نشر تصاویر و فیلمهای از جریان فعالیت های ملکی شان سبب می شوند که مردم دور نیز به آگهی های درست تر در مورد آنها برسند و قضاوت سالم تر در مورد آنان داشته و دروغ های دشمنان طالب را بهتر درک کرده و حجم تبلیغات گسترده دشمنان آنها را بهتر وزن بکنند.






ثمرهء بیست سال دموکراسی

موفق افغان

تقریبا دو دهه قبل از امروز، دموکراسی با حمایت میزایل های کروز، طیاره های اپاچی و B۵۲، بمب های خوشه یی و هفت هزار پاوندی و لشکرکشی بیشتر از پنجاه کشور، بر کشور ما تحمیل گردید. علاوه بر این بخاطر تطبیق و پیاده ساختن بهتر این نوع دموکراسی، خدمات و وفاداری دهها هزار برده و اجیر خود فروخته و مرتزقهء داخلی با رهبران فراری آنان نیز خریداری گردید. کسانیکه با جهت امریکایی در این ارتباط وارد معامله شدند در اوایل ظاهرا به خدمات آنان به نظر قدر نگریسته شد و برعلاوه پول نقد از زرق و برق روزگار زندگی مانند موترهای زره و مادل جدید و خانه های مفشن نیز برخوردار شدند و چوکی های حکومتی بر اساس وفاداری شان برای کشورهای خارجی معین بر آنان توزیع گردید. در این جمله کسی صاحب چندین وزرات و ریاست شد و کسی هم توانست کرسی ولایتی را احراز کرده و پادشاهی خودرا در آنجا اعلان کند.

حامد کرزی منحیث رئیس فراشوتی این نظام دموکراتیک که نه از حمایت مردمی برخوردار بود و نه سابقهء جنگی داشت تا افراد ولگرد و پا لچ با خود داشته باشد مجبور بود به رهبران شر و فساد و جنگسالارانی که تجربه فساد، جنگ، قتل و غارت را در کشور داشتند باج دهد و به این شکل عمر حکومت فاسد و مفسد خودرا به سالهای متمادی تمدید کند. این باج دهی ها به جایی رسیده بود که بعضی از وزراء و والیان اصلا خودرا در مقابل این رئیس دیسانت شده توسط طیاره های امریکایی مسئول و جوابگو نمی پنداشتند بلکه روابط مستقیم با نیروهای مستقر خارجی و اشغالگر در کشور داشتند و یا هم فراتر از آن توانسته بودند خودرا منسلک با شبکه های جاسوسی این کشورهای خارجی و اشغالگر نمایند و از آنجا اوامر و فرامین مستقیم بدست بیاورند.

فساد اداری، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی به اوج خود رسید اما کرزی اندک احساسی در مقابل آن نکرد بلکه در این میدان دزدان نیکتایی پوش نیز وارد صحنهء مبارزه شده و دو دسته تمامی دارایی های این ملت را چور و چپاول کرده و به خارج از کشور انتقال دادند. دامنهء فساد روز به روز گسترده شد چنانچه ملت بیچاره و رنجدیده که از یکسو از اشغال، تلفات شبانه روز، زندان و تهدید رنج می بردند از سوی دیگر مواجه با این آفتی شدند که آنرا دزدان جنگی دهه هفتاد و چپاولگران نیکتایی دار دموکراسی با اتحاد و اتفاق یکدیگر بر این ملت روا داشته بودند.

در جریان دو دهه چندین بار درامه های انتخاباتی ریاست جمهوری، پارلمان و شورای های ولایتی صورت گرفت. هر بار این انتخابات نسبت به بار گذشته رسواتر و فاسد تر بود. بالاخره کار به جایی رسید که در دورهء گذشته انتخابات پارلمانی سخن از رشوت پولی به رشوت های جنسی کشید و یکعده از تن فروشان بعد از اینکه از سر تا قدم را در اختیار تیم ارگ قرار دادند توانستند به پارلمان

****** در جریان دو دهه چندین بار درامه های انتخاباتی ریاست جمهوری، پارلمان و شورای های ولایتی صورت گرفت. هر بار این انتخابات نسبت به بار گذشته رسواتر و فاسد تر بود.***

****** انتخابات اخیر ریاست جمهوری را به شکلی انجام دادند که تا ششماه نتایج آن اعلان نمی شد و بالاخره بعد ازششماه هر دو گروه متخاصم نیکتایی دار و بی نیکتایی پیروزی خودرا اعلان کرده و هر دو به شکل جداگانه تحلیف ریاست جمهوری را به جا آوردند و اینک از دو ماه به اینسو این کشور رسما دارای دو حکومت و دو رئیس جمهور می باشد.***

راه بیابند و آرای کسانی را باطل سازند که ملیون ها افغانی به مصرف رسانیده بودند و مردم را جهت رای دهی خریداری کرده بودند. قبل از این، در یک عملکرد رسوا و بی شرمانهء دیگر که در طول تاریخ در جهان مثیل و نظیر آنرا جامعه بشری شاهد نبود، اشغالگران با جمع کردن هر دو گروه دزدان ولگرد و چپاولگران نیکتایی دار یک حکومت دو سره تشکیل دادند که برای مدت پنج سال خون مردم را چنان چوشیدند که ذره یی از آثار آن در رگ های خشکیده و پوسیده ملت دیگر باقی نماند.

به این هم اکتفا نکردند، بلکه انتخابات اخیر ریاست جمهوری را به شکلی انجام دادند که تا ششماه نتایج آن اعلان نمی شد و بالاخره بعد ازششماه هر دو گروه متخاصم نیکتایی دار و بی نیکتایی پیروزی خودرا اعلان کرده و هر دو به شکل جداگانه تحلیف ریاست جمهوری را به جا آوردند و اینک از دو ماه به اینسو این کشور رسما دارای دو حکومت و دو رئیس جمهور می باشد.

مذاکرات روی تقسیم قدرت و توزیع کرسی ها از مدت طولانی به اینسو میان این دو گروه تشنهء قدرت جریان دارد و بالاخره چون هدف هر دو رسیدن به قدرت و کرسی اگرچه به قیمت جان و خون ملت باشد می باشد و هر دو دیگر برنامه یی برای این کشور و ملت ندارند بر معادله تقسیم یا خود با همدیگر اتفاق می کنند یا بادار شان بعد از مدتی که کاسهء صبرش لبریز شود همچو دورهء گذشته تصمیم خودرا اتخاذ نموده و بر آنان تطبیق می نماید.

امریکا و اتحادیان اشغالگر آن نقش در تمامی این امور نقش تماشاچی را ایفا نمودند و گذاشتند که مزدوران و اجیران نکتایی دار و بی نکتایی شان این ملت را چور و چپاول کنند و نه تنها دارایی های این کشور را به تاراج ببرند بلکه خون جاری در رگ های ملت را نیز بچوشند.

آنچه در نتیجهء این نوع حکومتداری در دو دههء اخیر عیان و آشکار شد حقیقت دموکراسی یی است که بعضی از مسلمان نماها نیز از آن خیلی متأثر شده و آنرا نمونه و الگوی حکومتداری خوب و عادلانه در جهان می پنداشتند. چنانچه انتخابات که یکی از اساسات و پایه های دموکراسی می باشد با این عملکرد آنان رسوا شد و عاقلان درک کردند که این نوع انتخابات ها که در آن شخص امین، عادل، صادق، عالم، دانشمند، تحصیل کرده و متخصص در یک ترازو و میزان با شخص خاین، جنایتکار، کاذب، جاهل، بیسواد و جنایتکار گذاشته می شوند نه جنبهء شرعی دارند و نه عقل سالم آنرا می پذیرد و اگر انسان های غافل به آن تن می دهند و آنرا بهترین راه اختیار زعیم خود می دانند نتیجهء این اعتماد و تن دهی شان همین است که اکنون آنان به چشم سر می بینند و بخاطر آن در مقابل چشمان تمام جهان احساس شرم و خجالت می کنند.

این همان ثمرهء بیست سال دموکراسی یی است که در افغانستان به ادعای دموکراسی طلبان نهادینه شده است و برخی ها برای دفاع از این به اصطلاح دست آوردها آستین همت بالا کرده و مانع آمدن صلح در کشور به این بهانه می شوند که در صورت صلح و خاتمهء جنگ این دست آوردهای ننگین و شرم آور شان مورد تهدید قرار می گیرد و یا هم ضایع می گردد.



کدام منافع ملی ؟

سادات چرخی

بعد از امضای پیمان خروج قوای اشغالگر (میان امارت اسلامی وایالات متحده امریکا) وابسته گان و سخنگویان اداره کابل همه دررسانه ها ظاهر میشوند و در دفاع از منافع ملی یا منافع افغانستان سخن میگویند و چنان وانمود میکنند که گویا اینها از همه بیشتر با منافع علیای افغانستان متعهد هستند که باید در مذاکرات بین الافغانی از آن دفاع کرد و دراین رابطه در میزهای مدور، در مصاحبه های تلویزیونی و رسانه ها حضور یافته وخود را متعهد بر منافع علیای کشور جلوه میدهند و از منافع ملی و مردم افغانستان داد می زنند که نباید منافع ملی در مذاکرات بین الافغانی درمخاطره بیفتد، گویا این افغان های مخلص و اصیل هستند که با کدام کشور دیگری وارد مذاکره میشوند!؟

بیایید خود نگاه کنیم که این دیموکرات ها و حامیان رژیم دست نشانده تا چه حد صادق هستند و سخن شان با اعمال شان چقدر تطابق دارد؟

همه ملت مسلمان افغانستان طی هژده سال گذشته اعمال ننگین ادارۀ کابل را عملا دیدند که منسوبین آن برخلاف ادعاهای دورغین شان، کاملا چپی و معکوس حرکت کردند، بلکه از همه بیشتر بحیث یک دشمن سرسخت با ملت رنجیده و مردم مظلوم افغانستان خیانت کردند و عملا کشور را فروختند و هویت افغانی و افغانستان را درعوض چند دالر به دامن امریکایی ها ریخته و داغ برجبین افغانها شدند.

آیا همین اداره دست نشانده کابل را امریکایی ها بوجود نیاورد؟ وتجهیز وتمویل آن بدوش امریکایی ها نبود و فعلا مگر نیست؟ اگر پاسخ مثبت است پس معلومدار نزد آنان منافع امریکایی ها مطرح است نی منافع علیای مردم فغانستان.

آیا عساکراداره کابل برای امنیت نیویارک و واشنگتن نمی جنگند؟

آیا اینها برای اشغال کشور شان با امریکایی ها و ناتو همکاری نکردند؟

آیا عساکر اداره کابل با عساکر امریکایی روی یک

همه ملت مسلمان افغانستان طی هژده سال گذشته اعمال ننگین ادارۀ کابل را عملا دیدند که منسوبین آن برخلاف ادعاهای دورغین شان، کاملا چپی و معکوس حرکت کردند، بلکه از همه بیشتر بحیث یک دشمن سرسخت با ملت رنجیده و مردم مظلوم افغانستان خیانت کردند و عملا کشور را فروختند و هویت افغانی و افغانستان را درعوض چند دالر به دامن امریکایی ها ریخته و داغ برجبین افغانها شدند.

هدف در یک خط نمی جنگند؟
آیا عساکر امریکایی وعساکر اداره کابل مشترکا علیه ملت ومردم مظلوم افغانستان درجنگ نیستند؟
آیا عساکر اداره کابل طی بیست سال گذشته جز با مجاهدین آزادی خواه کشور با کدام عسکر خارجی ویا بیرون از مرز کشور جنگیده اند با وجود که سراحدات شرقی ما ازطرف کشور همسایه راکت باران می گردید؟ آیا رژیم کابل حامی نظام اجنبی غربی یعنی دیموکراسی در کشور ما نیست؟ آیا یکصد و پنجاه هزار عساکر اشغالگر که به کشور ما آمده بودند آیا اینها برای دفاع از منافع علیای کشور ما آمده بودند و یا برای منافع کشورهای خود شان؟ وعساکر رژیم مزدور ازهمین خارجی ها حمایت نمی کردند؟ پس منافع ملی درکدام برنامه این اداره وجود دارد که اکنون چنین بیداد میکنند؟
آیا اداره کابل مجری نظام دیموکراسی غربی نیست که بالای یک ملت کاملا مسلمان تحمیل شده است؟
آیا نظام دیموکراسی را که اینها حمایت میکنند نظام اسلامی وملی افغان ها است؟ وآیا زندان های این اداره دست نشانده از فرزندان صالح و اصیل این میهن مملوء نیست؟ همه میدانند که این نظام، اجیر ودست نشانده است وبرای منافع علیای امریکا وناتو استخدام شده وکاملا برخلاف ملت و مسلمانان گماشته شده و فعالیت میکند و انتخابات برگزار شده اخیر نیز ثابت ساخت که در جمعیت تخمینا ۳۰ میلیونی افغانستان صرف یک ملیون و سیصد هزار نفر، آن هم بوسیله زر و زور اشتراک نمودند که این خود ازطرف ملت پاسخ رد بود که به اداره کابل داده شد.
اگر پس منظر وبرنامه طرف مقابل این رژیم یعنی مجاهدین امارت اسلامی را دقت کنیم برملا دیده میشود که اهداف جنگ امارت اسلامی اعلان شده ورسانه ای است وآن خروج قوای اشغالگر از کشور است که بالآخره طی بیست سال ایثار وقربانی های بی شمار، قوای اشغالگر را به امضای پیمان پایان اشغال وادار ساخت و تایم تیبل خروج قوای اشغالگر تعین گردید اما برخلاف، همین اداره مزدور بقای قوای امریکایی را در کشور میخواهند که این خود خیانت ملی شمرده میشود.
فرد فرد مجاهدین امارت اسلامی در کنار مردم افغانستان برای دفاع از خاک و نوامیس ملی علیه خارجی ها می جنگند چنانچه افغان های اصیل با اشغالگران انگلیس وشوروی سابق جنگیدند اما عساکر اداره کابل دراین جنگ درکنار خارجی ها ایستاد اند که برملا عساکر اداره کابل خائن ملی و دشمنان مردم افغانستان شمرده میشوند.
مجاهدین امارت اسلامی در میان مردم خود زیست دارند و توسط مردم اعاشه و اباته میشوند و بدون معاش برای آزادی کشور شان علیه خارجی ها ومزدوران شان می جنگند اما برخلاف آن، عساکر اداره کابل توسط امریکایی ها تجهیز وتمویل میگردند و معاش می گیرند و با مردم خود درجنگ هستند پس خود بگویید که از منافع علیای کشور کی دفاع میکند؟
ازهمه بیشتر جای تعجب اینست که این مزدوران فروخته شده عملا هویت افغانی را زیر پا کردند و وفاداری شان را به امریکایی ها ثابت کردند اما هنگام سخن ، داد از منافع ملی ودست آورد های هژده ساله می زنند اگر مقاومت ها وحملات شدید مجاهدین امارت اسلامی نمی بود واین قربانی های تاریخی توسط مجاهدین فدایی صورت نمی گرفت

وجنگ های شدیدی علیه اشغالگران انجام نمی یافت اکنون کشورعزیزما درجمع ایالات امریکا افزوده می شد وهویت افغانی به باد می رفت وکسی جرئت نمی توانست که از تاریخ آباء و کشور شان لب بگشاید و کشور ما امریکایی میگردید و هرچیز تمام بود.

حتی ترامپ رئیس جمهور امریکا در جریان صحبت تلیفونی اش با معاون سیاسی امارت اسلامی محترم ملا برادرآخند برملا اعتراف کرد که (شما مردم سرسختی هستید وبرای کشور تان می جنگید) ازین سخن پر معنی ترامپ به وضاحت معلوم میشود که عساکر اجیر اداره کابل مردم پست، غلام و برخلاف منافع کشور شان می جنگند این اعتراف رئیس جمهور کشوری است که همین عساکر مزدور را تمویل وسوق واداره مینماید.

حتی هتلر امپراطور مشهور آلمانی گفته است که «نزد من خسیس ترین شخص کسی است که برای اشغال کشور شان با من همکاری کرده است» نظر به قول هتلر عساکر اجیر اداره کابل نیز خسیس ترین قشر جامعه میباشند که دراشغال کشور شان امریکایی ها را همکاری کرده اند.

توافق پیمان پایان اشغال میان امارت اسلامی وامریکا، ثابت ساخت که جنگ مجاهدین امارت اسلامی طی نوزده سال گذشته صرف برای حریت و آزادی و حاکمیت نظام اسلامی در کشور بوده است که برآن توافق نیز نمودند.

و آزادی کشور، خود منافع علیای کشور محسوب میگردد و رژیم کابل حضور عساکر اشغالگر را در کشور میخواهند واین آشکارا با منافع ملی کشور درتضاد میباشد.

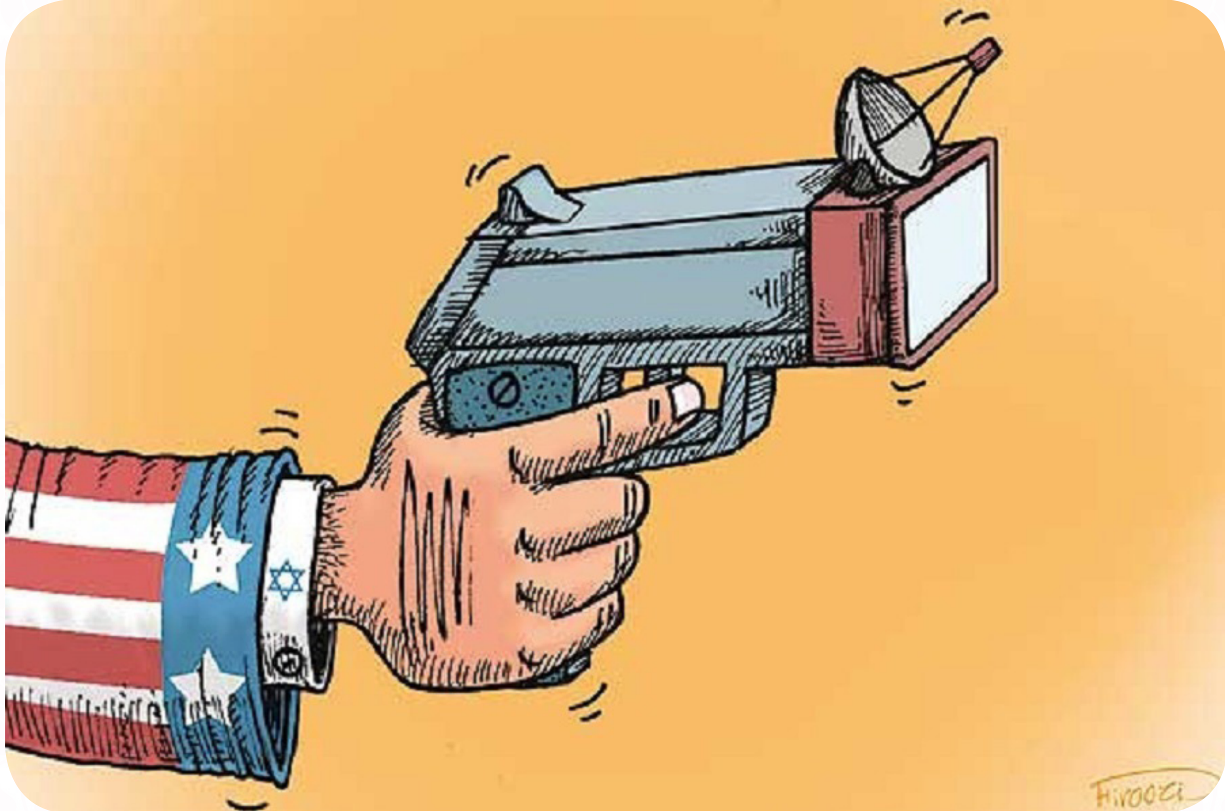
از جال های فریبینده اداره دست نشانده کابل برای اغفال وفریب مردم ، یکی اینست که سخنگویان اداره کابل امروز از همه بیشتر از منافع ملی کشور سخن میزنند و پیرامون ترکیب هیئت شان چنان اظهار میدارند که باید کسانی شامل هیئت شان باشد تا در برابر هیئت طالبان از منافع ملی کشور دفاع بتوانند درحالی که طرف هیئت این اداره ، هیئت با صلاحیت امارت اسلامی است که برای آزدی واستقلال کشور جان ومال شان را فدا کردند، وبرای حفظ و تمامیت ارضی کشور شان نزدیک به بیست سال با بزرگترین ونیرومند ترین قوای جهانی جنگیدند و دراین راستا قربانی های هنگفت مالی و جانی را متحمل شدند وخانه وکاشانه های شان به مخروبه ها مبدل گردید وزندان های دشمن را پر کردند که البته همه تلاش ها ومجاهدت های شان برای منافع علیای همین کشور بوده است لذا اینها (منسوبین اداره کابل) چنان وانمود میکنند که گویا با کدام کشور دیگری مذاکره مینمایند.

جعل و تزویر و معکوس نشان دادن حقایق یکی از چال های مهم این اداره مزدور و اجیر میباشد که طی نزدیک به بیست سال عساکر شان را فریب دادند و همه را به گودال های هلاکت دنیوی و اخروی انداختند.

پس خود قضاوت کنید که کدام طرف حقا به منافع علیای کشور متعهد و کدام طرف کاذب و دشمن واقعی مردم افغانستان میباشد.

****** فرد فرد مجاهدین امارت اسلامی در کنار مردم افغانستان برای دفاع از خاک و نوامیس ملی علیه خارجی ها می جنگند چنانچه افغان های اصیل با اشغالگران انگلیس وشوروی سابق جنگیدند اما عساکر اداره کابل دراین جنگ درکنار خارجی ها ایستاد اند که برملا عساکر اداره کابل خائن ملی و دشمنان مردم افغانستان شمرده میشوند.***

****** توافق پیمان پایان اشغال میان امارت اسلامی وامریکا، ثابت ساخت که جنگ مجاهدین امارت اسلامی طی نوزده سال گذشته صرف برای حریت و آزادی و حاکمیت نظام اسلامی در کشور بوده است که برآن توافق نیز نمودند.***



مبارزه علیه فرهنك بیگانگان از وجایب دینی ماست

منصور «تالقانی»

در عصر موجوده کفار ومتجاوزین جهان با همه وسایل و ابزار مدرن جنگی و فرهنگی که دارند وارد معرکه و نبرد علیه فرهنگ مسلمانان وکشور های اسلامی گردیده ومی خواهندکه توسط این هردو نیرنگ وحربه ای ناپاک و پلید خود مسلمانان را تسلیم خود نموده از دین اسلام منحرف ساخته و قصد دارند تا همه آموزه های فرهنگی دینی آنها را در جوامع اسلامی محو ونابود بگردانند و مسلمانان را از خط مش اصیلی که دارند بیگانه، منحرف و به بردگی خویش بکشانند. ولی این را فراموش نموده اند که نبرد حق علیه باطل جاویدان و از سنت های الهی در روی زمین بوده است و این پیکار و مبارزه تا آخر عمر زمین ادامه خواهد یافت.

بدون تردیدکه کفاردر میدان جنگ علیه مسلمانان شکست خورده اند اما یکی دیگر از خطرناکترین حربه ای آنان که پخش و نشر فرهنگ پوچ و میان تهی آنها بوده در بین ملت وجامعه اسلا می ما رو به انتشار است که یکعده از افراد مردم ما را به خصوص نسل وقشر جوان امت مسلمه را شکار خود ساخته و این را به ذهن و فکر ناقص خودشان پیشرفت و ترقی قلمداد می نمایند.

مبارزه علیه فرهنگ بیگانه یکی از وجیبه و مسئولیت های دینی ما بوده که می باید هر فرد آگاه و دانشمند، خدا پرست، دین دوست، هدفمند، پرهیزگار و بالآخره متحد با اسلام در محو ونابودی آن مساعی خویش را به خرچ داده تا این جراثیم را از بنیاد واساس ریشه کن ساخته و از انتشارش در بین جامعهٔ امت اسلامی جلوگیری نمایند.

که یکی از برنامه های آنان نشر وانتشار فرهنگ بیگانه به خاطر درجامعه ما قابل قبول نبوده که آنها می خواهند باداخل کردن مُد وفیشن فریبندهٔ خویش روحیهٔ معنویات را در بین مسلمانان تضعیف کرده و بعداً در دام خود گرفته از همچو افراد جبون و مُد پرست جاسوس و نوکر برای خویش تربیه نمایند. پخش و نشر سریال ها وفیلم های مبتذل و ضد اخلاقی توسط شبکه های تلویزیونی که همه حاوی مطالب هرزه و ضداسلامی بوده شاهد مدعای ما می باشد.

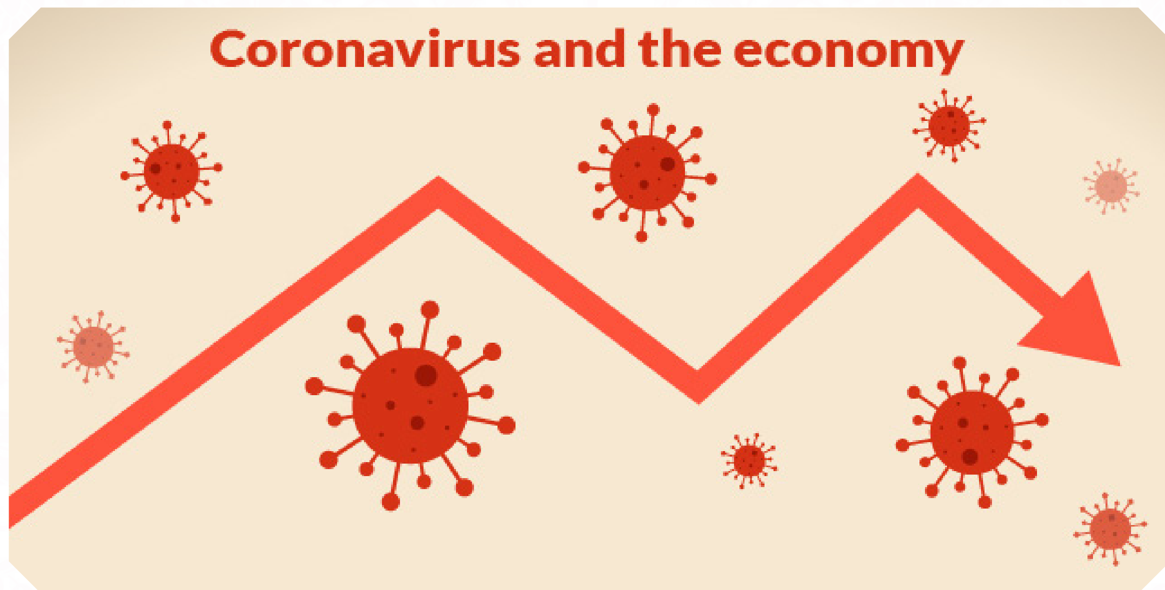
و آنانیکه در لجنزار سازش با دشمنان قرار گرفته اند استدلال می نمایندکه موجودیت این شبکه های ضد اخلاقی و اسلامی اشکالی ندارد. ومیگویندکه فلانی عالم در هفته یکبار درس های اسلامی داشته که به اذهان عامه مردم رسانیده می شود.

در حالیکه نمی شود در طول هفته تماماً فحشاء وفسق و فجوری که نشر و پخش می شود با یکساعت درس های اسلامی آن را جبیره نموده و این شبکه های ضد اخلاقی را تحت الشعاع خود قرار بدهد:

دیده شده حتی بعضی احکامی راکه حُرمت آن به آیت صریح قرآنکریم ثابت بوده از آن چشم پوشی صورت گرفته و مفاهیم اسلامی مارا تحریف می نمایند. بطور مثال: موجودیت بانک ها در طول اشغال کشور ما رو به افزایش بوده که تا حال چندین بانک فعالیت دارند واگر دقیق مطالعه گردد تقریباً ۹۵ فیصد داد و ستد آنها سودی بوده که حرام بودن آن بصورت قطع ثابت است و هیچکسی نمی تواند حکم آن را تحویل و یا تحریف نماید واگر کسی استدلال نماید به حلال بودن آن از دائره اسلام خارج می گردد اما استدلال همین علما سوء و در شبکه تلویزیون حضور یافته میگویند. بخاطر ارتقای ظرفیت اقتصاد کشور کدام ممانعتی وجود ندارد.

این است نظر بعضی از علماء حکومت اجیر و استدلال بعضی از نا افغان های بیگانه ستیزکه می باید همه اهل خبره آنانیکه مسئولیت پذیری را جزء از وجایب و فرایضی دینی خویش می دانند همانطوریکه در بر اندازی بلاک کمونیزم مساعی خستگی نا پذیری به خرچ داده اند این بار نیز با همان روحیه عالی اسلامی خویش منحیث ادای مسئولیت اسلامی که دارند فرهنگ پوچ بیگانه را با استدلالات مغرضین بیدین مطرود کرده حاکمیت قرآن را و اسوه حسنه پیامبر صلی الله علیه و سلم و رهروان مسیر اسلام را جاگزین آن نمایند. اما ان شاءالله این متجاوزین با همه ساز وبرگ مدرن نظامی وفرهنگی که دارند رو به فرار بوده اند باید فرهنگ آنها نیز گلیم اش ازکشورما چیده شده و در زباله دانی کثافت برای همیش دفن گردد وآن نسل وقشری که در جوامع اسلامی وبویژه در کشور عزیز ما منحرف گردیده اند دو باره صاحب فرهنگ اصیل اسلامی خویش گردیده وجامعه اسلامی ما از هر نوع انحراف وسقوط از فرهنگ متجاوزین واشغالگران، خود فروختگان وغلامان حلقه بگوش پاک و منزه گردد.





کرونا د امریکا اقتصاد ته مرګوني ضربه

سميع الله زرمتی

په داسې حال کې چې د آخيرې زماني ياغي بشريت د استدراج او انحراف په اوج کې و، ځان ورته د کائناتو سوپر پاور او تر ټولو برتر موجود ايسېده. حتی اسرائيلي فيلسوف نووال هراري معاصر بشر تر ټولو زيرک موجود ونوماوه او العياذ بالله د (انسان خداګونه) په نوم يې کتاب وليکه. د انسان د تاريخ په همدې فرعوني مرحله کې الله تعالی د خپل قدرت يو داسې عجيب او حيرانوونکی مثال بشريت ته وښود، چې نه يوازې يې له ټول بشر څخه د تيښتې لاره ورکه کړه، بلکې له خدايه ياغي انسانان هم بيرته الله تعالی ته په رجوع مجبور شول تر دې چې د بې دينۍ د سرلارې امريکا مشر ډونالډ ټرمپ په ټويټر د دعا ملي ورځ اعلان کړه او په خپل مادي ځواک د نازيدو پر ځای يې له خلکو وغوښتل چې د کرونا د مخنيوي لپاره دعاګانې وکړي.

کرونا يو نه ليدل کيدونکی ميکروب دی، خو له ټولو انسانانو يې لار ورکه کړې ده. يوه معنی داره خبره دا ده چې تر ټولو ډيره ضربه يې هغو هيوادونو ته ورکړې چې له دين او ديانت څخه پردي او په خپل مادي ځواک نازيدل. د امريکا متحده ايالات چې ځان يې د نړۍ ابرقدرت باله تر ټولو ډير ځپل شوی، ناټو اتحاد چې د نړۍ ځواکمن پوځي تړون دی، غړي هيوادونه يې لکه ايټاليا، فرانسه، هسپانيه، برتانيه او جرمني تر نورو ډير ځپل شوي او بالاخره چين چې د ځان د نړۍ راتلونکی اقتصادي پاور ګڼې، د کرونا په نوم وايروس يې اقتصادي ماشين په ټپه درولی دی.

د الله تعالی عادت په دې جاري دی چې هميشه انسانانو ته د عروج فرصت ورکوي، کله چې کوم ياغي انسانان د فرعونيت په مسير برابر شي، د غرور، کبر او لويې ټول سرحدونه لاندې کړي نو بيا يې الله تعالی په داسې عبرتناک انداز د کبر له اوج څخه د زوال کندو ته غورځوي چې داستان يې د راتلونکو انسانانو لپاره د عبرت او پند ژوندی درس وي.

لکه فرعون چې په اوبو کې غرق شو او نمرود د ماشي په توسط ووژل شو، دا ځل الله تعالی د دې عصر به نمرود امريکا باندې تر ماشي کوچنی موجود (کرونا وايروس) مسلط کړی دی. کرونا له امريکا څخه د تيښتې لاره ورکه کړې، هره ورځ لسګونه زره کسان نيسي او زرګونه د مرګ په خوب ويده کوي. د امريکا اقتصادي پلازمينه نيويارک، هغه ښار چې پخوا يې د اقتصادي مراکزو او وال سټريټ له امله نړيوال اعتبار درلود، اوس د کرونا پلازمينه ياديږي او زرګونه خلک يې د کرونا له امله وژل شوي دي.

د دې لیکنې د لیکلو تر وخته په امریکا کې پنځه نیم لکه خلک په کرونا مبتلا دي. له ۲۶ زره زیات مړه شوي، خو له هر څه زیات د کرونا له امله د امریکا اقتصاد ضربه خوړلې، په دې هیواد کې تر اوسه ۱۶ میلیونه خلکو خپلې دندې له لاسه ورکړي دي چې دا د امریکا په تأریخ کې بې ساري دي. یوازې د هوایي شرکتونو ۷۵۰ کارکوونکو خپلې دندې بایللي دي او له کارځایونو رخصت شوي دي. د امریکا هوایي چلند چې له یو مخیز سقوط سره مخ دی، حکومت اړ شوی چې مالي ملاتړ یې وکړي او د سقوط مخه یې ډب کړي.
خو دا لاهم د بحران پیل دی، داسې ویل کیږي چې په راتلونکو میاشتو کې به بیکاري یو مخ فاجعه بار شکل غوره کړي او شاید تر ۲۱ میلیونه امریکایان بېکاره شي. د کرونا بحران د امریکا په شمول غربي هیوادونه اړ کړي چې عجیب او غریبو اقداماتو ته لاس واچوی. ډونالډ ترمپ د امریکا د موټر جوړولو لوی شرکت (جنرل موټرز) مامور کړی چې د موټرو په ځای د مصنوعي تنفس آلات جوړ کړي.
ټرمپ د جرمني هغه ماسکونه هم راګرځولي چې یوې امریکایي کمپنۍ جرمني ته د پخواني قرارداد له مخې جوړ کړي وو.
رسنۍ وایي په کرونا ځپلو غربي هیوادونوکې اوس د شرابو کارخانې ضد عفوني مواد تولیدوي، دغه راز د برقي آلاتو ګڼې کمپنۍ د تنفسي آلاتو په جوړول امر شوي دي. ډونالډ ټرمپ د روغتیا په نړیوال سازمان هغه بودیجه قطع کړه چې پخوا به د امریکا لخوا ورکول کیدله. له دې څخه ښکاري چې د کرونا اقتصادي ضربې امریکا سخته وارخطا کړې ده.
کرونا د غرب اقتصاد ته داسې ګوزار ورکړی چې په تیرو سلو کلونو کې بې سارې ده. د امریکا برترې په نړیوالو د اقتصاد له امله وه، عموما ابرقدرتونه له هغه وروسته له سقوط او زوال سره مخ کیږي چې کله یې اقتصاد کمزوری شي. شوروي اتحاد چې تر نیمي پیړۍ زیات د نړۍ سوپر پاور و له هغه وروسته ونړید او له افغانستانه یې لاس واخیست

د دې لیکنې د لیکلو تر وخته په امریکا کې پنځه نیم لکه خلک په کرونا مبتلا دي. له ۲۶ زره زیات مړه شوي، خو له هر څه زیات د کرونا له امله د امریکا اقتصاد ضربه خوړلې، په دې هیواد کې تر اوسه ۱۶ میلیونه خلکو خپلې دندې له لاسه ورکړي دي چې دا د امریکا په تاریخ کې بې ساري دي. یوازې د هوایي شرکتونو ۷۵۰ کارکوونکو خپلې دندې بایللي دي او له کارځایونو رخصت شوي دي. د امریکا هوایي چلند چې له یو مخیز سقوط سره مخ دی، حکومت اړ شوی چې مالي ملاتړ یې وکړي او د سقوط مخه یې ډب کړي.

رسنۍ وایي په کرونا ځپلو غربي هیوادونوکې اوس د شرابو کارخانې ضد عفوني مواد تولیدوي، دغه راز د برقي آلاتو ګڼې کمپنۍ د تنفسي آلاتو په جوړول امر شوي دي. ډونالډ ټرمپ د روغتیا په نړیوال سازمان هغه بودیجه قطع کړه چې پخوا به د امریکا لخوا ورکول کیدله. له دې څخه ښکاري چې د کرونا اقتصادي ضربې امریکا سخته وارخطا کړې ده.

کله یې چې اقتصادي رکود اوج ته ورسید. تر هغه وړاندې پر نړۍ د برتانیا سلطه هم هغه وخت پای ته رسیدلې وه کله چې لویه برتانیا په نړیوالو جګړو له سختو اقتصادي زیانونو سره مخامخ شوه.
د نیوزویک په نوم مجلې په یوه تحلیل کې احتمال وړاندې کړی چې کیدای شي د کرونا له بحران سره د نړۍ نظم تغیر ومومي. که په امریکا کې د کرونا څپه همداسې متداومه پاته شي، نو معنی یې دا دی چې د امریکایي اقتصاد روان فاجعه بار حالت دوام کوي چې په دې سره به د دې هیواد هغه اقتصادي شیرازه ونړیږي چې له امله یې دغه هیواد په نړۍ باداري کوي.
له نښو او علامو داسې ښکاري چې امریکا د خپل فرعونیت مرحله او تاریخي دوره پوره کړې ده، نو ځکه هغه وخت رارسیدلی چې باید د عروج څوکو له وهلو وروسته د زوال په کندو راکوزه شي او په دې سره د تاریخ یو بل له عبرت ډک فصل انجام ته ورسیږي.



زندانیان مظلوم در رحم و کرم ظالمان

احمد فارسی

دین مبین اسلام بر ترحم، تعامل انسانی و اخلاقی و عدم ظلم و ستم بر زندانیان ترکیز می کند و بر همین اساس اعتراف هایی که با استخدام نیروی فشار و تعذیب بدست آمده باشد نزد قاضی مسلمان در محاکم اسلامی مدار اعتبار نمی باشد. علاوه بر این، مجاهدین و نظام های اسلامی مکلف به تهیه غذا، پوشاک و جای بود و باش مناسب برای زندانیان می باشند. علاج و تیمارداری زندانیان بیمار از مسئولیت های مسئولین زندان در دین مبین اسلام می باشد. در روشنی همین فرامین و احکام شرعی، امارت اسلامی با تمام زندانیان رویه و سلوک انسانی کرده و بدون درنظرداشت اینکه آنان در میدان جنگ در مقابل مجاهدین چی ظلم وستمی را بر مجاهدین روا داشته اند آنان از تمامی حقوق انسانی و اخلاقی خود در زندان های مجاهدین برخوردار می باشند. عساکر اردوی اجیر، پولیس مزدور و حتی عساکر و افراد اشغالگر و زندانی در نزد مجاهدین امارت اسلامی بعد از رهایی به مراعات این همه حقوق و تعامل نیکوی مجاهدین با آنان نه تنها اعتراف کرده اند بلکه بعضی از آنان بعد از رهایی در دفاع از امارت اسلامی و موقف انسانی و اسلامی آن نیز پرداخته اند. اینهمه در حالی است که امارت اسلامی با دشمنی مواجه است که نه تنها مقید به احکام و فرامین شرع نیست بلکه قوانین و منشورات ملی و بین المللی را که دشمن خودرا عضو و جوابگو در مقابل آن می داند نیز زیر پا می نماید و هر ظلم، ستم، تعذیب و شکنجه را بر زندانیان مظلوم ستمدیده که در مقابل دشمن تا به دندان مجهز و مسلح با دست و پای بسته به زنجیر و زولانه

ایستاده می شوند روا می دارند. علاوه بر این محاکم دشمن نیز پا فراتر از قانون و عدالتی می گذارد که خود بر آن معتقد است و اعتراف های گرفته شده بر اساس تعمیل فشار، تعذیب و شکنجه های شدید را معتبر می داند و بر مبنای آن بر این زندانیان بیچاره و مظلوم حکم قید سالهای طولانی را صادر می نمایند.

اسیران جنگی مجاهدین از همان لحظهء اول اسارت تا زندانی شدن، تحقیقات، طی مراحل دوسیه سازی، محاکمه و سپری نمودن قید همیشه مورد آزار، اذیت، شکنجه و تعذیب غیر انسانی و اکثرا غیر اخلاقی قرار می گیرند و در این راستا اجیران داخلی و باداران اشغالگران آنان هیچ یک کمتر از دیگر نیستند. شواهد در دست است و ویدیوهای زیادی به مشاهده می رسد که عساکر اردوی اجیر، پولیس مرتزقه و کارمندان امنیت ملی با مجاهدینی که در میدان جنگ و یا در جریان دستگیری های شبانه به اسارت در آمده اند رویه و سلوک غیر انسانی کرده و آنان را به اشکال و انواع خیلی شدید و خارج از دایره اسلام، اخلاق و انسانیت تعذیب و شکنجه می نمایند که در نتیجه بعضی از اسیران مجاهدین در زیر این شکنجه ها به شهادت می رسند. اگر اسیران مجاهد از این مرحله زنده بگذرند، دو سه روز اول را در حالی در ریاست نود امنیت ملی سپری می کنند که شکنجه و تعذیب شدید و غیر انسانی ارگان های امنیتی باعث می شود آنان به آنچه اعتراف کنند که هرگز در زندگی خود انجام نداده اند. مراحل بعدی تحقیق و قید نیز کمتر از این مراحل نبوده و هر لحظه این ستمدیدگان مستضعف مورد ظلم و شکنجهء جسمی و روحی ارگان های امنیتی دشمن قرار می گیرند.

ما از وحشت و درندگی های زندان های

عساکر اردوی اجیر، پولیس مزدور و حتی عساکر و افراد اشغالگر و زندانی در نزد مجاهدین امارت اسلامی بعد از رهایی به مراعات این همه حقوق و تعامل نیکوی مجاهدین با آنان نه تنها اعتراف کرده اند بلکه بعضی از آنان بعد از رهایی در دفاع از امارت اسلامی و موقف انسانی و اسلامی آن نیز پرداخته اند.

داخلی و خارجی دشمن اشغالگر که آواز آن به تمام جهان رسید مگر جهان مدعی حقوق بشر، تمدن و انسانیت از آن چشم پوشی نمود سخن نمی گوییم بلکه از زندان هایی سخن می گوییم که در داخل کشور تحت مدیریت ادارهء اجیر کابل و افرادی وجود دارد که ظاهرا ادعای مسلمانی و انسان دوستی دارند اگرچه عده یی از آنان فرزندان ناخلف کمونستان بوده و علنا با سب و دشنام و توهین و تحقیر شعایر اسلامی مجاهدین اسیر را تحت تعذیب روحی و روانی قرار می دهند.

علاوه بر شواهد عیان که هرگز امکان انکار از آن وجود ندارد، نه تنها نهاد های مستقل بارها به این وضعیت ناهنجار زندانیان امارت اسلامی در زندان های وحشی و غیر انسانی ادارهء اجیر کابل سخن ناشنیده گفته اند بلکه بارها بعضی از افراد موجود در داخل ادارهء وحشی کابل نیز دهن به اعتراف چنین ظلم و وحشت زده اند که از آنجمله می توان به بیانیهء اخیر سیما ثمر رئیس پیشین ادارهء حقوق بشر ادارهء کابل و وزیر دولت در امور حقوق بشر که به روز شنبه ٤ جنوری سال جاری اشاره کرد که در جریان آن گفت که تا کنون زندانیان در زندان ها و توقیف گاههای حکومتی در مخالفت با تمام قوانین ملی و بین المللی مورد تعذیب و شکنجه قرار می گیرند.

این تعامل غیر انسانی و غیر اخلاقی نه تنها با مجاهدین و کسانیکه عملا در میدان جنگ

شواهد در دست است و ویدیوهای زیادی به مشاهده می رسد که عساکر اردوی اجیر، پولیس مرتزقه و کارمندان امنیت ملی با مجاهدینی که در میدان جنگ و یا در جریان دستگیری های شبانه به اسارت در آمده اند رویه و سلوک غیر انسانی کرده و آنان را به اشکال و انواع خیلی شدید و خارج از دایره اسلام، اخلاق و انسانیت تعذیب و شکنجه می نمایند که در نتیجه بعضی از اسیران مجاهدین در زیر این شکنجه ها به شهادت می رسند.

و یا مبارزه مسلحانه اسیر شده اند صورت گرفته می گیرد بلکه با افرادی نیز صورت می گیرد که تنها بر اساس شک و شبهه بی بنیاد همکاری با مجاهدین از خانه ها، باغ ها و کشت زار های شان دستگیر شده اند و در حقیقت هیچ جرمی بجز داشتن ریش و یا دستار ندارند.

تعداد زیاد از زندانیان مجاهد ما بر اثر بیماری هایی در زندان های اداره‌ء اجیر کابل به شهادت رسیده اند که تداوی آن به خیلی سادگی امکان پذیر می باشد و شاید با چند قرص خیلی عادی می شد جان های آنان را نجات داد مگر دشمنان قسی القلب و بی شهامت قصدا از تداوی و علاج آنان به این هدف ابا می ورزند تا این بیماری کوچک به بیماری های بزرگ و لا علاج مبدل گردیده و باعث شهادت آنان گردد.

دشمن امارت اسلامی که مقید به هیچ دین و قانونی نیست از رهایی زندانیانی نیز ابا می ورزد و در راستای رهایی آنان بهانه جویی می کند که بر اساس توافقنامه صلح باید تا دهم ماه مارچ سال ۲۰۲۰ رها می شدند.

این در حالیست که اداره‌ء اجیر کابل اگر اندک احساس انسانی می داشت باید بیشتر از تعداد اتفاق شده را بخاطر اجتناب از مرض کرونا که تجمعات مردمی همچو غذای این بیماری بشمار می رود رها می کرد و وظیفه‌ء انسانی خودرا در مقابل ملت مسلمان افغانستان ادا می نمود.

قابل یاددهانی است که همین اکنون در توقیفگاهها ارگان های امنیتی و زندان های اداره‌ء اجیر کابل به هزاران زندانی یی وجود دارند که تا کنون جرم شان ثابت نشده است و حتی دوسیه ندارند و خانواده های شان از زندگی و مرگ آنان اطلاع هم ندارند. چنانچه به صدها تن از زندانیان بعد از گذشت مدت قید شان تا کنون در این زندان ها منتظر رهایی می باشند مگر دشمن جبون و مکار از رهایی آن هراس دارد زیرا بیم آن می رود تا آنان به سبب رویه و سلوک غیر انسانی یی که در جریان این سالها زندانی بودن در زندان های غیر انسانی اداره‌ء اجیر کابل متحمل شده اند بعد از رهایی عملا به صف های جهادی بپیوندند و برای از بین بردن ریشه های این نظام مزدور و فاسد مبارزه را آغاز نمایند.





کند و کاوی در مفهوم توکل

حکمت الله حکمت

یکی از اصطلاحات و کلماتی که این روزها صدای بازتابش بیشتر به گوش ها می رسد، کلمهء توکل است. توکل چیست؟ چه معیارها و اصولی دارد و در تعالیم قرآن و سنت چه پیام ها و درس هایی برای مسلمانان و کل انسانیت در این موضوع دیده می شود؟ چرا بعضی از اسباب استفاده نمی کنند و آن را خلاف توکل می دانند؟ چرا برخی با وجود توکل، بازهم شکست می خورند و به مطلوب و مقصود خود نمی رسند؟ در ذیل تلاش خواهیم کرد به جواب صحیحی برسیم.

توکل در لغت از فعل وَکَلَ به معنای اعتماد و اتکا نمودن بر غیر برای تنفیذ امری از امور و اظهار عجز و ناتوانی در مقابل او. وقتی در عربی کسی بگوید: وكلت أمري لفلان، معنایش این است که به فلان شخص اعتماد کردم. در اصطلاح معنای توکل اینگونه بیان شده است: اعتماد صادقانه بر خداوند در تنفیذ و اجرای امور در راستای جلب منفعت و دفع مضرت. البته این اعتماد و اتکا با رها نمودن اسباب ظاهری نیست، چراکه خداوند باری تعالی دنیا را دارالاسباب قرار داده و هر چیز در این هستی بر اساس یک نظم و ترتیب خاصی قرار دارد. این یک غلط فهمی است که توکل به معنای اعتماد بر خدا بدون کدام استفاده از اسباب ظاهری. شکی در این نیست که الله تعالی مسبب الأسباب است و بدون سبب و علت می تواند نتیجهء کاری را ظاهر فرماید، اما این هرگز بدین معنا نیست که بندگانش اسباب را ترک نموده و منتظر معجزه بمانند. اگر چنین بود انبیاء علیهم السلام بیش از دیگر انسانها مستحق بودند بر این نوع توکل عمل نمایند. اما انبیا علیهم السلام همیشه از اسباب ظاهری در زندگی

این یک غلط فهمی است که توکل به معنای اعتماد بر خدا بدون کدام استفاده از اسباب ظاهری. شکی در این نیست که الله تعالی مسبب الأسباب است و بدون سبب و علت می تواند نتیجهء کاری را ظاهر فرماید، اما این هرگز بدین معنا نیست که بندگانش اسباب را ترک نموده و منتظر معجزه بمانند. اگر چنین بود انبیاء علیهم السلام بیش از دیگر انسانها مستحق بودند بر این نوع توکل عمل نمایند. اما انبیا علیهم السلام همیشه از اسباب ظاهری در زندگی روزمره استفاده می کردند، هرچند توجه آنها به رب الاسباب بود و از خدا غافل نبودند.

اینکه بعضی اسباب را ترک کرده و خود را متوکل می دانند در اشتباه کلانی گرفتار هستند. مانند برخی حاجیان که بدون توشه و زاد راه عازم حج می شدند و بعد به گدایی و دراز کردن دست به سوی دیگران محتاج و ناچار می شدند. مگر می شود کسی بخواهد صاحب اولاد شود، اما بدون ازدواج و اختیار نمودن همسر، به آرزوی خود برسد؟!

روزمره استفاده می کردند، هرچند توجه آنها به رب الاسباب بود و از خدا غافل نبودند.

در ظاهر امر، هم پیامبران و انسانهای مؤمن از اسباب استفاده می کنند و هم کافران و افراد ملحد که چه بسا هیچ اعتقادی به وجود الله تبارک و تعالی ندارند، اما فرق بین این دو گروه خیلی واضح است؛ یکی بر اسباب اعتماد محض دارد و هیچ اعتماد و اعتقادی به خالق و مالک خود ندارد. خدای او هم همین اسباب است. اما گروه اول که شامل پیامبران و پیروان آنها می شود، به دستور پروردگار از اسباب استفاده می کنند ولی توجه و اعتمادشان به خداست. می دانند آتش به دستور الله می سوزاند و اگر حکم خدا باشد، همین آتش مثل آتش نمرود خاصیت خود را از دست می دهد و معجزه ای دیگر خلق می شود. اگر انبیاء بدون اسباب برای رسیدن به نتایج تلاش می کردند، قطعا نیازی به دعوت مردم به سوی توحید و دین راستین نبود؛ مگر نه این است که کار گرفتن از زبان و دعوت دادن یک ذریعه است؟ چرا انبیاء علیهم السلام در میدان جهاد از شمشیر و سنان و عسکر کار گرفتند و تشویق و تحریض فرمودند؟! چرا جنگ ها را بدون استفاده از شمشیر و سلاح پیروز نشدند؟ همین است که شیخ رومی مفهوم حدیث را «بر توکل زانوی اشتر ببند» تعبیر نموده است. آنحضرت علیه السلام به اعرابی فرمودند که زانوی شترت را ببند و بعد به خدا توکل کن. یعنی توجه و یقین ات به زانوبند شتر نباشد، بلکه به خدا باشد که او تکیه گاه هر مسلمان است.

پس معلوم شد اینکه بعضی اسباب را ترک کرده و خود را متوکل می دانند در اشتباه کلانی گرفتار هستند. مانند برخی حاجیان که بدون توشه و زاد راه عازم حج می شدند و بعد به گدایی و دراز کردن دست به سوی دیگران محتاج و ناچار می شدند. مگر می شود کسی بخواهد صاحب اولاد شود، اما بدون ازدواج و اختیار نمودن همسر، به آرزوی خود برسد؟! خداوند برای توالد و تناسل نظم خاصی به بشر و حتی حیوانات یاد داده است و چاره ای جز پیروی از همان راه و اصول نیست.

اما اینکه با وجود اختیار نمودن اسباب بازهم همیشه نتیجهء مطلوب حاصل نمی شود، ممکن است دلایل متعدد داشته باشد. مثلا ممکن است شخص در اختیار نمودن اسباب به خطا رفته باشد و اسباب ضروری را ترک و اسباب غیرضرروی را گرفته باشد. یا اینکه الله تعالی بنابر حکمت بالغهء خود صلاح ندانسته آن فرد به مقصود خود برسد و برایش نتیجه ای دیگر را بهتر دانسته است، مثل دعا که بنده چیزی می خواهد و بدان نمی رسد. اما ثواب دعا را حاصل می کند، متوکل حقیقی هم اگر انگیزهء عمل به شریعت و سنت را داشته، حتما اجر و پاداش آن را می گیرد.

نقش زنِ افغان در جهاد کنونی!

نویسنده: استاد محمد

اسلام زن را مکمل، شریک و کمک کننده مرد در ادای وظیفه و امور زندگی با تمام ابعاد و آفاق روحی، مادی، فردی و اجتماعی؛ شمرده است.

از اینکه جهاد یکی از وظایف مهم و دشوار مسلمانان می‌باشد، الله متعال زن را با حد و مرز محدود و عیار شده طبقِ ساختار جسمانی او؛ شریک و همراه مرد در اینَ وظیفه مقَرر می‌نماید

از همین لحاظ، زنان در عهد نبوت و در عصر خلفای راشیدن و بعد از آن، با حضور در نبرد با دشمنان مسئولیت تعین شده شان را به وجه احسن اداء می‌نمودن؛ یک تعداد از آنان برای مجاهدان آب و نان تهیه نموده، تعداد دیگری مجروحان را تداوی و جسد شهداء را انتقال میدادند و تعداد دیگری با سرودن اشعار حماسه‌ی به شجاعت مبارزان شان افزوده و حتی تعداد دیگری در وقتِ ضرورت به نبرد نظامی می‌پرداختن، از باب مثال میتوان گفت: او عایشه رضی الله عنها و مادرش بود که در غزوه احد مشکِ از آب بر دوش شان و به مجاهدان آب می‌دادند، و او ام عماره انصاری بود که رسول الله علیه‌وسلم در موردش فرمود:«مَا التَفتُّ یَمینًا و لاَ شَمَالاً یَومَ أُحد إلاَّ و أَنَا أَراها تُقَاتِل دُونی»، و همچنان او زنان خالَد رضی الله عنه وَ یارانش بود که در جنگ روم برای مهاجران آب می‌بردند و شعر و رجز می‌خواندند.

البته این سلسه ادامه داشت و به همین منوال مکتب رسول الله علیه‌وسلم، اینبار شاگردان دیگری اَز زنان افغان را در این عصر به جامعه اسلام تقدیم نمود و در روز امتحان، اینها را در صحنه عمل پیاده نموده و امتحانی سختی با پرسیدن این پرسش از اینها گرفت.

بلی، پرسید: آمریکا و هم‌پیمانانش با جدید ترین ابزار جنگی چون طیاره ها، تانگ ها، اسلحه های ثیقله و دور بُرد وارد افغانستان شدند، آیا شما راضی خواهید شد که پسران جیگر گوشه تان سینه خود را در مقابل این فرعونیان عصر سپر کنند؟ آیا شما برای مجاهدان که در تعقیب هستند مکان بودباش خواهید داد؟ وَ احتمال بالای هم جود دارد که خانه و کاشانه و اعضای فامیل تان با پرتاب نمودن بم به

***اسلام زن را مکمل، شریک و کمک کننده مرد در ادای وظیفه و امور زندگی با تمام ابعاد و آفاق روحی، مادی، فردی و اجتماعی؛ شمرده است.**

****جواب عملی زنِ افغان به اشغالگران متجاوز: من مردی تربیه نکرده‌ام که غلامی و برده‌گی بی‌گانه‌گان را کند جز اینکه جانش را فدای اسلام و فدای حفظ عزت ما بکند.**

***** این زنِ افغان است که کمر مرد خود را بسته نموده و نیم پیکرِ از جامعه جهادی را تشکیل میدهد، اینکه غربی ها و همفکران شان با توطئه های مکرانه شان ادعا میکنند که زنان در امور سیاسی و اجتماعی با امارت اسلامی سهیم نیستند، ما این ادعا شان را همین گونه رد خواهیم کرد، زیرا فرامین دین ما با دید و فکر غربی مخالف است.**

خاک و خون یکسان شود؛ آیا در چنین حالتی شما باز هم اجازه بودباش را خواهید داد؟

و یا آیا شما در این فقر و بی پولی برای مجاهدین نان و طعام خواهید داد؟ آیا شما لباس های مجاهدین را خواهید شست؟ و یا در حالت ضرورت آیا شما دست به سلاح خواهید زد؟

جواب عملی زنِ افغان به اشغالگران متجاوز:

من مردی تربیَه نکرده‌ام که غلامی و برده‌گی بی‌گانه‌گان را کند جز اینکه جانش را فدای اسلام و فدای حفظ عزت ما بکند.

خانه، کندو و تنور فقیرانه ما به گرد خاکِ پای مجاهد نمی‌ارزد.

بلی، در صحنه عمل دیده شد که زنِ افغان یک پی دیگر نکات فوق را چگونه به صحنهَ عمل در آورد، همینکه مجاهد صدا می کرد: مادر جان! ما ده یا بیست نفر منتظر نان و طعام در مسجد هستیم. عاجلتاً، مادر با دستان مهربانش از تنور داغ نان آماده کرده؛ می‌فرستاد و یا همینکه مجاهد شب دروازه را تک تک کرده و صدا می‌کرد: مادر جان! هوا سرد است دروازه را باز کن که بخوابیم. مادر لبیک گفته و مکان خواب را آماده می کرد.

البته واقعه ها و جان فدایی های عجیبی از این زنان افغان روایت است، که میتوان از باغِ انبوه جان فدایی های شان یک مثالی آورد: به گمان غالب هشت سال قبل در شب ۲۷ رمضان از منطقه ما دورتر یکی از قمندان های مجاهدین به خانه یک برادر مجاهد شب را سپری میکرد که ناگهان آمریکایی ها از آسمان و زمین خانه را محاصره نموده و صدا کردن که مجاهد را تسلیم ما کنید.

پدرِ خانواده با چهار دختر جوان و خورد و همسَرش جواب داد که هیچ گاه چنین کاری را نخواهیم کرد، زیرا دین و عزت ما بالاتر از جان ماست.

همه اعضای فامیل اسلحه بر میدارند و تا نزدیک های صبح با دشمن می جنگند تا اینکه طیاره ها خانه را بمبارد نموده و تن همه‌ی عزیزان را پارچه پارچه نموده به شهادت شان می‌رسانند. (انا لله و انا الیه راجعون)

خلاصه میتوان گفت: این زنِ افغان است که کمر مرد خود را بسته نموده و نیم پیَکرِ از جامعه جهادی را تشکیل میدهد، اینکه غربی ها وَ همفکران شان با توطئه های مکرانه شان ادعا میکنند که زنان در امور سیاسی و اجتماعی با امارت اسلامی سهیم نیستند، ما این ادعا شان را همین گونه رد خواهیم کرد، زیرا فرامین دین ما با دید و فکر غربی مخالف است، اما این سخن شان را می پذیریم، که مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی آنچنان که آنها میخواهند؛ ما نمی‌خواهیم، چون کار نمودن در فضای اختلاط، پوشیدن لباس های بدحجاب، استفاده از زنان برای تبلیغات تجارتی، همجنسگرایی و ...

البته آنچه قانون الله متعال است، نظام ما چنان می‌خواهد و چنان عمل میکند .



ترامپ و جو بایدن ؛ دو رقیب نهایی انتخابات ۲۰۲۰

حبیبی سمنگانی

بالاخره سناتور برنی سندرز، از مطرح ترین چهره های حزب دموکرات برای رقابت های انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ امریکا و آخرین رقیب درون حزبی جو بایدن، نیز از کمپاین نامزدی اش دست بردار شد. این سناتور چپ گرای ۷۸ ساله، که یکی از سه رقبای مهم درون حزبی دموکرات ها به شمار می رفت، پس از شکست در برابر جو بایدن در چندین ایالت ها، کارزار انتخاباتی اش را به تاریخ ۸ اپریل متوقف کرد. سپس با اعلان نتایج انتخابات مقدماتی ایالت ویسکانسن به تاریخ ۱۳ اپریل، که آن هم منتج به شکست او شد، رسما از رقابت های نامزدی کنار رفت.

این سناتور کارکشته ایالت ورمانت، که دونالد ترامپ را «خطرناک ترین رئیس جمهور تاریخ معاصر امریکا» می داند، حمایت خود را برای انتخابات نومبر ۲۰۲۰ از جو بایدن اعلان کرد. این دومین شکست پیاپی برنی سندرز در رقابت های درون حزبی است. او در سال ۲۰۱۶ در برابر خانم هیلاری کلینتون شکست خورده بود.

پیش از او، سناتور خانم الیزابت وارن نیز پس از شکست در انتخابات درون حزبی چهارده ایالت به تاریخ ۳ مارچ، کارزار انتخاباتی اش را به تاریخ ۵ مارچ خاتمه داده بود. اما این سناتور ایالت ماساچوست، تا هنوز حمایت خود را از کسی اعلان نکرده است. همچنان مایکل بلومبرگ، ملیاردر و شهردار پیشین نیویورک نیز پس از شکست فاش در انتخابات یاد شده، طرفداری خود را از جو بایدن اعلان کرده بود.

هرچه پیت بودجج ۳۷ ساله و سناتور خانم ایمی کلوبشار ۵۹ ساله، که در رده دوم نامزدان دموکرات قرار داشتند، پیش از رقابت های ایالات چهارده گانه، مبارزات شان را به نفع جو بایدن پایان بخشیده بودند.

قرار است جوبایدن، معاون پیشین بارک اوباما در دو دوره ریاست جمهوری او، به حیث نامزد اصلی و نهایی دموکرات ها، با کاندیدای حزب جمهوری خواه دونالد ترامپ مقابله کند. این سومین تلاش جو بایدن برای رسیدن به مقام ریاست جمهوری است. بار نخست او برای انتخابات ۱۹۸۸ در برابر رونالد ریگان اعلام نامزدی کرده بود. سپس در سال ۲۰۰۸ هم وارد رقابت های درون حزبی دموکرات ها شد، اما در نهایت بارک اوباما او را به حیث معاون در پهلوی خود گرفت و در سال های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲ به حیث معاون رئیس جمهوری امریکا انتخاب شد.

از سوی دیگر، دونالد ترامپ نیز با پیروزی در رقابت های درون حزبی جمهوری خواهان در تمامی ۱۳ ایالت ها، نامزدی خود را قطعی کرد. گویا از همین حالا قطعی است که دونالد ترامپ و جو بایدن

***در تاریخ ۲۴۲ ساله انتخابات های ریاست جمهوری امریکا، تا هنوز هیچ زنی به پیروزی نرسیده است. حقیقت اینست که بدون خانم هیلاری کلینتون در انتخابات ۲۰۱۶، تا هنوز هیچ زن دیگری حتی نتواسته است نامزدی یکی از دو حزب بزرگ ایالات متحده را از آن خود بسازد. این بار امید برده می شد که شاید خانم الیزابت وارن نه تنها کارنامه خانم کلینتون را تکرار کند، بلکه با پیروزی در برابر دونالد ترامپ، تاریخ امریکا را نیز تغییر بدهد. اما او از رسیدن به نامزدی حزب دموکرات عاجز آمد.

***با ناکامی در انتخابات سه شنبه بزرگ، گمان برده می شد شاید رقابت نفس گیری میان برنی سندرز و جوبایدن تا آخرین روز رقابت ها - هفت جون - رخ بدهد و با اینکه احتمال بازگشت سندرز مشکل تر شده بود، گمان می شد مبارزه هنوز دوام یابد. اما با کناره گیری برنی سیندر مشکل جو بایدن آسان شد.

در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ امریکا - به شرطیکه از ویروس کووید۱۹(کرونا) متضرر نشود - به مصاف یکدیگر می روند.
برنی سندرز، که خود را سوسیالیست می داند، بر علاوه از اینکه درمیان مسلمانان و لاطینی های امریکایی محبوبیت داشت، نامزد پیشتاز نسل جوان نیز بود. حالانکه اگر او نامزدی حزب دموکرات را به دست می آورد، مسن ترین نامزد انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ امریکا می بود.
سندرز ضمن حمایت از جوبایدن، به طرفداران خود گفت : «امروز من از همه آمریکایی ها می خواهم، از همه رای دهندگان دموکرات می خواهم، از هر رای دهنده مستقل می خواهم، از بسیاری از جمهوری خواهان می خواهم - تا در این کارزار متحد شوند و از نامزدی شما - جوبایدن - که من آن را تایید می‌کنم، حمایت کنند».
جوبایدن ۷۷ ساله، نیز به حامیان برنی سندرز اطمینان داد، که : «من شما را می بینم، صدای شما را می شنوم و ضرورت این امر که ما چه کاری باید در کشور انجام بدهیم را درک می کنم. امیدوارم که به ما ملحق شوید».

۵۹مین انتخابات ریاست جمهوری امریکا به تاریخ ۳ نومبر ۲۰۲۰ - حدود شش ماه پس - برگزار می شود. این بار ۲۶ (یا ۲۹) تن داوطلبان در رقابت های درون حزبی دموکرات ها برای نامزدی انتخابات ریاست جمهوری آینده با هم رقابت داشتند، که در تاریخ ۱۹۲ ساله این حزب، بی پیشینه بود. اما پیش از اینکه آخرین رقابت حزب دموکرات به تاریخ ۷ جون برگزار شود، تعیین جوبایدن به حیث نامزد ریاست جمهوری حزب دموکرات ها، قطعی شد.
در تاریخ ۲۴۲ ساله انتخابات های ریاست جمهوری امریکا، تا هنوز هیچ زنی به پیروزی نرسیده است. حقیقت اینست که بدون خانم هیلاری کلینتون در انتخابات ۲۰۱۶، تا هنوز هیچ زن دیگری حتی نتواسته است نامزدی یکی از دو حزب بزرگ ایالات متحده را از آن خود بسازد. این بار امید برده می شد که شاید خانم الیزابت وارن نه تنها کارنامه خانم کلینتون را تکرار کند، بلکه با پیروزی در برابر دونالد ترامپ، تاریخ امریکا را نیز تغییر بدهد. اما او از رسیدن به نامزدی حزب دموکرات عاجز آمد.
شرمناک تر برای خانم وارن این بود که او در ایالت خود ماساچوست نیز - در انتخابات چهارده ایالت - در حالی از جو بایدن شکست خورد، که جوبایدن نه به آن ایالت رفته بود و نه هم دران جا پول خرج کرده بود. بی بی سی در تحلیل خود می گوید : « شکست وارن در ایالت خودش چقدر بد بود ؟ او نتوانست در هیچ یک از گروه های جمعیتی - مردان، زنان، جوانان، سالخوردگان، سفید پوستان، سیاه پوستان، غنی، فقیر، میانه‌رو، لیبرال، تحصیل‌کرده و نکرده بیشترین رای را کسب کند» .
گویا امریکایی های لیبرال، سیکولار و دموکرات، که درس مساوی بودن مردان و زنان را برای دیگران طوعاً و کرهاً می آموزانند، هنوز خود شان آماده نیستند زنی را به حیث رئیس جمهور کشور خود انتخاب کنند. اکنون باید زنان امریکایی حد اقل چهار سال دیگر برای رسیدن به مقام ریاست جمهوری انتظار بکشند، دنیا به امید آباد است.
زنان امریکایی نه تنها هنوز از رسیدن به ریاست

جمهوری محروم مانده اند، بلکه در تاریخ ۲۳۱ ساله مجلس نماینده گان امریکا، نانسی پلوسی یگانه زنی است که به ریاست این مجلس رسیده است. اما دونالد ترامپ این خانم را هم «سگ مریض» خطاب می کند. اصلا شکست باور نکردنی خانم هیلاری کلینتون در برابر ترامپ نشان داده بود که امریکایی ها بر رهبری زنان، چقدر باورمند هستند.
برنی سندرز داستان عجیب و بخت شوری دارد. بسیاری ها به این باورند که او در رقابت های درون حزبی انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ از خانم هیلاری کلینتون پیشی گرفته بود و حقدار مقابله با دونالد ترامپ بود، اما حق او سلب شد و خانم کلینتون نامزد حزب دموکرات اعلان شد. از همینست که بسیاری از حامیان او دران انتخابات، بجای خانم کلینتون به دونالد ترامپ رای دادند و یا هم اصلا رای ندادند.
این بار نیز برنی سندرز تا پیش از انتخابات درون حزبی ۱۴ ایالت که به تاریخ ۳ مارچ برگزار شد – و سه شنبه بزرگ یاد می شود – از همه رقیبان خود پیشتاز بود و رقیب اصلی دونالد ترامپ شناخته می شد. جو بایدن تا آن زمان نتایج بسیار ضعیفی را کسی کرده بود و کمپاین او هم کمرنگ بود. اما نتایج انتخابات مقدماتی چهارده ایالت وضعیت را کاملا دگرگون ساخت.
انتخابات سه شنبه بزرگ نه تنها خانم الیزابت وارن و مایکل بلومبرگ را از رقابت ها حذف کرد، بلکه سناتور سندرز را نیز با چالش های جبران ناشدنی مواجه ساخت. درین انتخابات درون حزبی، جوبایدن در ۹ ایالت و سندرز در ۵ ایالت برنده شد. خانم الیزابت وارن و مایکل بلومبرگ در همه ایالت ها باختند. خانم وران چنانکه پیشتر گفته شد حتی در ایالت خودش ماساچوست نیز سوم آمد. هرچه بلومبرگ که بیش از نیم ملیارد دالر برای تبلیغات خود خرج کرده بود نیز با ناکامی تاریخی رو برو شد.
اصلا پیت بودجج و خانم کلوبشار پیش ازین انتخابات مه م درون حزبی، از رقابت ها کنار رفتند و حمایت خود را از جوبایدن اعلان کردند. این از عوامل عمده کامیابی جوبایدن و ناکامی سندرز در سه شنبه بزرگ بود. مثلا پیش بینی می شد که رقابت اصلی در ایالت «مینه سوتا» میان خانم کلوبشار و برنی سندرز صورت خواهد گرفت. اما حمایت کلوبشار از جو بایدن، این ایالت را برای جو بایدن به ارمغان آورد.
بعضی ها این – پیوستن بودجج و کلوبشار به جو بایدن - را توطئه حزب دموکرات برای جلوگیری از نامزدی برنی سندرز می دانند. به باور بعضی ها ؛ تمایل بیش از حد سندرز به چپ گراها سبب شده است که دموکرات ها تمایلی به پیروزی او ندارند.
حتی دونالد ترامپ نیز – که نامزد حزب جمهوری خواه است – در مورد این تلاش حزب دموکرات گفت : «فکر می کنم آنها دارند سعی می کنند این فرصت را از او بگیرند. نمی دانم اینکار چقدر منصفانه است».
با ناکامی در انتخابات سه شنبه بزرگ، گمان برده می شد شاید رقابت نفس گیری میان برنی سندرز و جوبایدن تا آخرین روز رقابت ها – هفت جون - رخ بدهد و با اینکه احتمال بازگشت سندرز مشکل تر شده بود، گمان می شد مبارزه هنوز دوام یابد. اما با کناره گیری برنی سیندر مشکل جو بایدن آسان شد.
شارل وازن، روزنامه نگار و نویسنده بیوگرافی برنی سندرز، در گفتگو با رادیو بین المللی فرانسه در مورد زمان اعلام این کناره گیری سندرز، می گوید : همراهان برنی سندرز بر او فشار می‌آوردند تا بر خلاف سال ۲۰۱۶ که سندرز یک شانس واقعی برای انتخاب شدن داشت و تا آخرین لحظات در کارزار انتخاباتی باقی ماند، اکنون فعالیت های انتخاباتی خود را متوقف کند. امروز، اینطور به نظر می رسد که پویایی در طرف مقابل و در کنار دونالد ترامپ قرار دارد و اولویت ساندرز در چنین شرایطی این است که اجماع دموکرات ها را در برابر رئیس جمهوری کنونی تسهیل کند.
شارل وازن در پاسخ به اینکه چرا سندرز شکست خورد ؟ می گوید : هیچ نامزد دموکراتی نمی تواند بدون حمایت سیاهان پیروز شود. هیلاری کلینتون در سال ۲۰۱۶ و جو بایدن نیز این بار، به دلیل نزدیکی با باراک اوباما از حمایت سیاهان آمریکایی برخوردار بوده و هستند. در طول مبارزات انتخابات مقدماتی دموکرات ها، برنی سندرز شمار بیشتری از آرای آنان را نسبت به چهار سال قبل کسب کرد، اما این حمایتِ محدود برای او کافی نبود.



خاطره

به سوی ارزگان

(قسمت اول)

وحید روستایی

شب را با خواب بسیار راحت گذراندیم چون روز قبل سفر طولانی و خسته کن داشتیم. در نیمه های روز خالد (نام مستعار) دروازه را کوبید و با رهنمایی صاحب خانه داخل مهمان خانه شد. من بیدار بودم و هنوز خواب به آسانی رهایم نمی کرد تا بر خیزم. خالد جوان زیبا، خندان، با قامت متوسط و گندم رنگ بود. مجلسش خسته کن نبود، فکاهی می گفت، می خندانید و می خندید. آری! با چنین ها انسان در سفر خستگی را تجربه نمی کند.

موتر به راه افتید، من و خالد با هم بودیم، دشت های گیلان جای تماشا، سیر و سیاحت است و به انسان، و خاصتا در بهار، نشاط و تازگی می بخشد. اندکی پیش به بازاری رسیدیم. به لوحه گرد گرفته ای متوجه شدم، بلی؛ در ساحه تحت تصرف مجاهدین امارت اسلامی اینجا یک کلینیک زنانه فعال بود و نام داکتر هم با خط درشت چشم عابرین را به خود معطوف می ساخت. برایم قابل قبول نبود؛ چون رسانه های اجیر همواره تبلیغات می کنند که طالبان ناقض حقوق بشر اند، آنها به زنان اجازه خروج از منزل و رفتن به مکتب و شفاخانه را نمی دهند. اما این لوحه و این کلینیک تمام تبلیغات رسانه های دجالی را ضرب صفر کرد و خاطر متاثرین از تبلیغات رسانه های مزدور با دیدن چنین تصاویر جمع میشود.

خالد کمی درنگ کرد. دوباره به راه افتیدیم. اندکی جلوتر به یک بازار نسبتا بزرگ رسیدیم، بیروبار زیاد بود، هر کس در پی خریداری مواد لازم برای خانه و کاشانه خود بود. در وسط و کرانه های بازار مجاهدین امارت اسلامی هم به چشم می خورند؛

آنها به رونق بازار افزوده بودند انگار گلهای شیپُوری اند که باغ را آراسته اند و چشم ناظرین را به خود خیره می کنند. وقتی رسانه های دجالی طالب را دشمن انسانیت و جاهل و وحشی معرفی میکنند، صحنه های اینچنینی میتواند مشت کوبنده به دهان شان باشد.

خالد ما را نزد رفیق خود مولوی مبارز برد و چندین روز را به صورت وقفه ای با وی در مناطق مختلف گیلان سپری کردیم؛ مبارز سالهای درازی از عمر عزیز خویش را در راه خدمت به دین الله عزوجل سپری کرده است، در امارت گذشته به شمال افغانستان رفته بود و ماموریت جهادی انجام داده بود و پس از آن وظایف مختلف دیگری را در قندهار انجام داده بود. او چندین بار زخم هم برداشته است و با وجود این همه درد و رنج تکالیف جوان می نماید، چهرهٔ خندان دارد و هم مجلسان خویش را با سخنان نرم و فکاهی آمیزش می خنداند.

در رمضان همان سال مجاهدین امارت اسلامی قسمت های بزرگی از ولسوالی مقر را از وجود ملیشه های اربکی پاک سازی کرده بودند. خالد ما را به ولسوالی مقر برد. در مُقر اربکی ها ده ها خانه ملکی را به سنگر و یا مقر نظامی بدل کرده بودند و از همان سنگرها طبق هدایات اسدالله خالد و امثالش بر علیه ملت مظلوم دسیسه می چیدند؛ شهر نا پرسان هیچ کس حق گپ زدن نداشت؛ مال مردم را به زور می خوردند، به نوامیس مردم تجاوز می کردند و ظلم و ستم شان هیچ حدی نداشت. یکی از مجاهدین حکایت میکرد، روزیکه مجاهدین بالای اربکی ها حمله کردند در یکی از پوسته های آنها پس از فتح داخل شدند و متوجه شدند که یک پسر خورد سال خواب است. آنرا از خواب بیدار کردند. و معلوم شد که اربکی ها ازین

خالد کمی درنگ کرد. دوباره به راه افتیدیم. اندکی جلوتر به یک بازار نسبتا بزرگ رسیدیم، بیروبار زیاد بود. هر کس در پی خریداری مواد لازم برای خانه و کاشانه خود بود. در وسط و کرانه های بازار مجاهدین امارت اسلامی هم به چشم می خوردند؛ آنها به رونق بازار افزوده بودند انگار گلهای شیپُوری اند که باغ را آراسته اند و چشم ناظرین را به خود خیره می کنند.

پسر استفاده سوء میکردند.

ما تقریبا یک روز را در ولسوالی مُقر گذراندیم، با مردم و مجاهدین نشستیم و اوضاع را از آنها پرسیدیم. مردم و مجاهدین از ظلم و ستم اربکی ها قصه های داشتند و حکایت های. قصه های که ریش جوانمرد را سفید می سازد. سالها قبل در کتاب (در سایه های سوره توبه) از عبدالله عزام رحمه الله قصه های ظلم و ستم حافظ اسد و امنیتی های ظالمش را بر علیه مردم مسلمان سوریه خوانده بودم و فکر میکردم چنین چیزی در هیچ جای دنیا رخ نخواهد داد. اما با شنیدن قصه های اربکی های مُقری از زبان مردم محل دریافتم که اربکی ها و منافقین دین و فرهنگ شان یکی است، شرقی و غربی ندارند، همه در یک مسیر روان اند؛ آری! مسیر شیطان و راه منتهی به شرمساری؛ ﴿أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ﴾ ترجمه:(آیا آنها یکدیگر را به آن سفارش کرده بودند؟ بلکه آنها مردمی طغیانگر هستند).

با اندکی تامل در وضعیت جاری افغانستان و عملکرد اشغالگران، انسان به این نتیجه می رسد که غربی ها سوگند یاد کرده اند که دشمن انسانیت اند، در غرب انسان توسط پول و ثروت به افرادی را به غلامی گرفته اند و توسط پول هر نوع که میخواهند آنها را سوار میشوند، و در شرق میخواهند توسط توپ، تانگ و زور افراد را به غلامی

جلالی طالب العلم جوان و خورد سن بود، تازه نامزد شده بود و عنقریب مراسم ازدواجش را بر گذار می کرد. او جوان کاکه و عیار و شجاع بود. ترس را نمی شناخت و از دشمن هیچ گونه هراسی در دل نداشت. خالد بارها از شجاعت جلالی حکایت میکرد و از شهکاری هایش یاد آوری می نمود. جلالی چندی بعد از سفر ما ازدواج کرد. و پس از چند ماه در یک معرکه جام شهادت نوشید. نحسبه شهیدا والله حسیبه و لا ازکی علی الله احدا ....

بگیرند. جنرال پیتریوس فلسفه اربکی سازی را با هدایت سی آی ای در عراق عملی کرد و هزاران عراقی مظلوم را طعم تلخ مرگ را به سختی چشانید، عزت های شان را هتک نمود و هیچ حرمتی به آنها نگذاشت، و متعاقبا این درامهٔ موحش و خطرناک در افغانستان به راه انداخته شد و بر زخم های افغانان مظلوم نمک شور اربکی را پاشیدند تا افغان های که بر علیه سلطه غربی به پا خواستند و علیه استکبار جهانی و اشغالگران درفش جهاد به اهتزاز در آوردند و تسلیم و زر و زور امریکا نشدند بیشتر درد بکشند و زیادتر رنج ببرند.

یکی از خاطره های جالب دیگر شنیدن رادیو شریعت و فعالیت آن در ولسوالی گیلان بود. صبح وقت مردم محل رادیوهای خویش را چالان نگه میداشتند تا زمان نشرات رادیو صدای شریعت که اخبار مجاهدین امارت اسلامی را نشر می کند فرا رسد و آنها اخبار موثق و دقیق کشور را از طریق آن بشنونند. نکته قابل تامل این است که همانطوریکه در مثل میگویند: «منزل دروغ کوتاه است» به راستی که منزل شبکه های دجالی و شیطانی که فرهنگ و دین مردم مسلمان افغانستان را هدف گرفتند و اخبار دروغین و بی اساس را به خاطر منفعت اشغالگران و اداره مزدور آن به نشر رساندند خیلی نسبت به آنچه فکر میشد کوتاه بود. مردم مسلمان افغانستان چهره های این شیاطین انسی را شناختند و ان شاء الله دیگر فریب دروغ ها و دسیسه های شان را نخواهند خورد.

یکی از روزها بعد از ظهر خالد از سفر مان به سوی ارزگان خبر داد. خیلی خوشحال و خورسند بودیم. بعد از ظهر آماده و روانه شدیم، قرار بود ما از پهلوی پوسته دشمن بگذریم و در چنین جای ها به مجاهدین محلی ضرورت است تا ما را رهنمایی کند. این بار جلالی مسئولیت این ماموریت خطرناک را به عهده داشت. جلالی طالب العلم جوان و خورد سن بود، تازه نامزد شده بود و عنقریب مراسم ازدواجش را بر گذار می کرد. او جوان کاکه و عیار و شجاع بود. ترس را نمی شناخت و از دشمن هیچ گونه هراسی در دل نداشت. خالد بارها از شجاعت جلالی حکایت میکرد و از شهکاری هایش یاد آوری می نمود. جلالی چندی بعد از سفر ما ازدواج کرد. و پس از چند ماه در یک معرکه جام شهادت نوشید. نحسبه شهیدا والله حسیبه و لا ازکی علی الله احدا ....

او با شجاعت تمام بعد از نماز شام راه عبور از ساحه را برای مان هموار کرد و ما به فضل الله عزوجل ازین نقطه خطرناک عبور کردیم و . ادامه دارد ...





د امریکایی جنرال له نظره، ټرمپ د افغانستان په اړه څه کولای شي...؟ !

موسی فرهاد

په دې کې شک نشته چې امریکایي رسنیو په دې کې ډېر مهم رول ولوباوه چې امریکایي چارواکو ته دا ورتلقین کړي چې دوی په افغان جګړه کې په مکمل ډول شکست خوړلی، ناکامې جګړې ته نور دوام ورکول به د امریکا د هلاکت په مانا وي؛ له همدې ځایه وه چې امریکایي چارواکي زړه نازړه دې ته تیار شول چې د افغانستان د آزادۍ غوښتونکي جنګیالي ځواک (طالبانو) سره د اشغال د پای ته رسولو یو تړون ته ګونډه ماته کړي.

دا چې تړون به د یو پروسیجر له مخې د څه باندې یوه کال په موده کې سر ته رسیږي، خو داسې ښکاري چې د معاهدې د تعمیل په لومړیو پوړیو کې یې د امریکا د ملاتړي کابل حکومت لخوا خنډونه او مشکلات رامنځ ته کیږي، او دا په اصل کې د امریکایانو د ناکامۍ په مانا ګڼل کیږي چې د سولې په برخه کې هم دوی طالبانو ته پاتې راغلل.

که څه هم امریکا به ظاهراً د دې څرګندونه نه کوي، خو د پامپیو له راتګ او بیا د ناراضۍ اظهاراتو څخه جوتیږي چې د هغوی په وړاندې خنډونه شته. د همدې په رڼا کې د واشنګټن ایکزماینر ورځپاڼې یو مطلب خپور کړی چې په لاندې پراګراپونو کې یې څوک ټکي را اخیستل شوي دي:

د ډانیل ډیوس (Daniel Davis) په نوم د امریکا د پوځ یو متقاعد ډګروال په یاده ورځپاڼه کې لیکي: په کلي توګه د افغانستان د جګړې ختمولو یوازنۍ لاره دا ده چې ټرمپ د خپلو ځواکونو د را ایستلو فوري امر صادر کړي.

ډیوس وایی، په دې وروستیو کې چې د امریکا د بهرنیو چارو وزیر مایک پمپیو افغانستان ته سفر وکړ او په کابل کې یې د جانکیري په څیر د جوړجاړې هڅه وکړه، ترڅو د ډاکټر عبدالله او ډاکټر اشرفغني ترمنځ د یو ناقانونه Extra-constitutional واک شریکه سیستم رامنځ ته کړي خو بریالی نشو.

امریکا ته په رسیدو یې اعلان وکړ چې امریکا به نور له افغان حکومت سره د ژمنه شویو مرستو نه ۱ میلیارد ډالر مرسته کمه کړي، څو ورځې وروسته (NBC) این بی سی تلویزون په یو مفصل راپور کې ولیکل چې مایک پامپیو کابل ته د ټرمپ له مهم پیغام سره تللی و، هغه دا چې عبدالله عبدالله او اشرف غني ته یې خبرداری ورکړی و چې که تاسو خپل منځي سیاسي اختلافات نه حل کوئ، له طالبانو سره مذاکراتو ته نه کښینئ، او د امریکا او

طالبانو ترمنځ شوې معاهدې ته درناوی نه کوئ، نو امریکا به هم خپلې مرستې کمې کړي او هم به په کلي توګه خپل پوځونه په عجولانه توګه وباسي.
ډیوس زیاتوي، ګرانه ده چې وویل شي، د پامپیو دغه تهدید به افغان رقیبان سره نژدې کړي، ترڅو خپلې ستونځې حل او بیا له طالبانو سره د جګړې د پای ته رسولو لپاره یو جوړجاړي ته کښیني.
د لیکوال په وینا، دا چې امریکا له ۲۰۰۱م څخه تر نه پوري د دریو ولسمشرانو، تر درجن زیاتو جنګي جنرالانو، بیلابیلو ستراتیژیو، او په لسګونو زرو پوځیانو په ادلون بدلون او استخدام سره په دې ونه توانیده چې د افغانستان جګړه وګټي او قاطع بریا ترلاسه کړي.
نو له دې نه څرګندیږي چې اوس هم نشي کولای د کابل رقیب چاروکي سره نژدې کړي. د ښاغلی ټرمپ لپاره ښه چاره دا ده چې له ناټو او نورو اړخونو سره په همغږۍ او کوردیناتیک شکل د خپلو ځواکونو د را ایستلو اجرایوي حکم صادر کړي.
ډیویس وایي، د تیري فبرورۍ پر ۲۹مه ټرمپ د هغه تړون هرکلی وکړ چې د امریکا او طالبانو ترمنځ د دې لپاره طراحي شوی ترڅو د امریکا سخت سفر او اوږده جګړه پای ته ورسوي. ټرمپ وویل: اوس وخت را رسیدلی چې نور خپل ځواکونه خپل کور ته را ستانه کړو.
د واشنګټن ایکزماینر مقاله وایي، له بده مرغه چې دلته د ډېرو بهرنیو او کورنیو رقیبو لوبغاړو ډېري غوښتني شتون لري، له همدې کبله هغوی ټولو هڅي پیل کړي، ترڅو یاد تړون بریا ته ونه رسیږي.
د مقالې لیکوال ډګروال ډانییل ډیویس زیاتوي، دا څرګنده خبره ده چې افغان چاروکو د پامپیو اخطار ته چندان پاملرنه ونکړه، هغه یې سنجیده ونه ګڼه، بلکي ایګنور یې کړ، ځان یې ورباندي ناګاره واچاوه، د دې مطلب دا دی چې دوی غواړي، دغه سیاسي جګړه دې همداسي غیرمتناهي جریان ولري؛ لکه څنګه چې هغه جګړه پای نه مومي؛ په کومه جګړه کې چې امریکا له ۲۰۰۱م کال راهیسي ښتي ده.
د لیکوال په وینا ټرمپ باید بالأخر پوه شي چې دی دې ته اړتیا نلري چې د افغان حکومت او طالبان ترمنځ مذاکرات کیږي کنه، په پایله کې یې یو کامیاب تړون رامنځ ته کیږي او کنه.
ټرمپ کولای شي چې د خپل صلاحیت په کارولو سره داسي یو حکم صادر کړي چې جګړه د امریکا او ناټو پر شرایطو پای ومومي. او په دې توګه نوموړی کولای شي چې د دفاع او خارجه وزیرانو ته لارښوونه وکړي، ترڅو هغوی خپل دواړه متحدین (ناټو او افغان حکومت) آګاه کړي، چې د بهرنیو ځواکونو د مکمل اخراج وخت ډېر لنډ دی.
لیکوال زیاتوي چې، تر ټولو تریخ حقیقت دا دی چې افغان مشران تراوسه هم په دې باور نه کوي چې امریکا دې په رښتیا په مکمل ډول ووځي.
پایله یې دا ده چې دوی خپل کار کوي، او حتی دې ته هم تیار نه دي چې په ډېر ابتدایي شکل ترخپل منځ کوم جوجاړی رامنځ ته کړي.
کله چې د حکومت د سر دوه چاروکي د څوکۍ پرسر دومره سخت رقابت کوي، او دې ته نشي تیاریدی چې خپلو کې سره جوړ شی؛ نو څنګه توقع کیدای شي چې د دوی ګټونکی دې سبا له خپل دښمن سره کوم جوړ جاړي یا کمپرومایز ته ځان ورسولای شي.؟
یوازنۍ لاره چې په مټ یې ټرمپ کولای شي د امریکا او د خپلو ځواکونو امنیت خوندي کړای شي؛ دا ده چې په مکمل ډول د خپلو ځواکونو را ایستلو امر صادر کړي. افغان چاروکي به هله پوه شي چې له خپلو مخالفانو سره جوړجاړی څه شی دی، او څنګه دوی دې کار ته لاره موندلای شي.
په واشنګټن ایکزماینر ورځپانه کې د ډانیل ډیوس په نوم د متقاعد امریکایي جنرال څرګندوني ښیي چې هغوی د سولې په پروسه کې هم د امریکا پر ناکامۍ ویره محسوسوي، له همدې ځایه ده چې د دوحې د تړون د تعمیل په رابطه امریکایي چاروکو ته د حل لاري په توګه خپل وړاندیزونه کوي. ښایي په دې توګه هغوی غواړي چې امریکایي ځواکونه هم له ناکامې جګړې وباسي او هم یې په پروسه کې د ملامتۍ له نکتې وژغوري.
پای...........!

۱۳ / ۴ / ۲۰۲۰



بخش هشتم

پرسش ها و پاسخ های شرعی

تحقیق، اصدار و فتوی : مفتی ابو یاسر
ترجمه : مفتی حبیبی

برگشتن از دیار هجرت به وطن خود، چه حکم دارد ؟

الاستفتاء : محترم مفتی صاحب ! بسیاری مهاجرانی که در زمان جهاد بر ضد شوروی هجرت کرده بودند، حالا به کشور خود بر می گردند، در حالی که کشور ما باز هم اشغال شده است. آیا ثواب هجرت ایشان از بین می رود یا خیر ؟ (المستفتی عبدالله، قندوز)

الجواب : حامدا و مصلیا و بعد : برگشتن از دیار هجرت به وطن خود مکروه است، و اگر کسی برود ثواب هجرت او پایان می یابد، به خصوص آنگاهی که اشغالگران در کشور حضور داشته باشند. زیرا هجرت از کافران اشغالگر واجب است و ایشان پس بر می گردند.

قال الله تعالی : وَمَن يَخْرُجْ مِن بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا - النساء : ۱۰۰

و قال الله تعالی : وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ - لَيُدْخِلَنَّهُم مُّدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ - الحج : ۵۹/۵۸

و قال الله تعالی : الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِندَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ - التوبه : ۲۰

یکره الخروج من وطن الهجرة إلى الوطن

الأصلي وترک الإقامة بدار الهجرة کما في حدیث سعد بن مالک قال جاء نی النبي ﷺ یعودني وکان یکره أن یموت بالأرض التي هاجر منها ـ الحدیث

وروی عن سعد بن أبي وقاص رضی االله عنه قال سمعت النبي ﷺ یکره للرجل أن یموت بالأرض التي یهاجر منها ـ السنن الکبری ١٩١٩

ورفع الحجاب ص ١٧١ ـ وقال ابن شهاب کان عمر ابن الخطاب رضی االله عنه یقول یا معشر المهاجرین لا تتخذوا الأموال بمکّة و أعدو ها بدار الهجرة کم فإن قلب الرجل عند ماله ـ رفع الحجاب ١٧١ـ

و في موسوعة العباداة ٢٤٧\٣ قال النّوويّ نقلاً عن القاضي : اتّفق العلماء علی أنّه لیس للمرأة أن تخرج في غیر الحجّ والعمرة إلاّ مع ذي محرم إلاّ الهجرة من دار الحرب ، فاتّفقوا علی أنّ علیها أن تهاجر منها إلی دار الإسلام وإن لم یکن معها محرم.

آیا مجاهدین در اثنای ضرورت بدون اجازه برای تلاشی داخل یک خانه شده می توانند ؟

الاستفتاء : محترم مفتی صاحب ! به امید صحتمندی و سلامتی شما. ما گاهی به تعقیب دشمن و یا بر اساس ضرورت دیگری، بدون اجازه به خانه کسی داخل می شویم، حکم این کار در شریعت محمدی چه است ؟ (المستفتی : عبدالنافع هلمند)

الجواب : حامدا و مصلیا و بعد : مجاهدین می توانند در اثنای ضرورت بدون اجازه به خانه کسی داخل شوند.

لما فی درالمختار : لا یجوز دخول بیت انسان الاباذنه الا فی الغزو. و فی الشامی (قوله : الافی الغزو) ای اذا کان ذالک البیت مشرفا علی العدو فللغزاة دخوله لیقاتلواالعدو منه او نحو ذالک - ردالمحتار- ١۴٠/۵

مجاهد اگر ثروت مند باشد، آیا زکات یا صدقة الفطر گرفته می تواند ؟

الاستفتاء : اگر مجاهد غنی باشد، آیا می توان به او زکات یا صدقة الفطر داد ؟ بعضی ها می گویند که مجاهد اگر ثروتمند هم باشد، گرفتن زکات برای او جائز است.

الجواب : حامدا و مصلیا و بعد : درین مورد، در کتب فقهی ما آمده است که قید فقر در زکات، برای مجاهد هم شرط است. یعنی ضروری است مجاهدی که برایش زکات یا صدقة الفطر داده می شود، صاحب نصاب نباشد، فقیر یا مسکین باشد.

اما عالم بزرگ زاهد الکوثری - رحمه الله - درین مورد تحقیق خوبی کرده و ثابت کرده است که قید فقر در نزد احناف هم استحبابی است، مثلا امام محمد بن حسن - رحمه الله - در مؤطا درین مورد تصریح کرده است. پس هرگاه برای مجاهد در صورت غنا، دادن زکات صحیح است، دادنِ صدقة الفطر هم صحیح است. البته ؛ مستَحب است که این پول به مجاهد فقیر داده شود.

فیقول محقق الحنفیة الشیخ الکوثري رحمه الله فی مقالاته ص\ ١۴٨ان الذی تراه في کتب الحنفیة من اشتراط الفقر في الغازي فهوقید استحبابي کماصرح به محمد بن الحسن فی الموطاء ص\ ٩٧... بعد ان ساق حدیث عطاء بن یسار قال محمد وبهذا ناخذ والغازي فی سبیل الله اذاکان له عنها غنی یقدر بغناه علی الغزو ولم یستحب له ان یاخذ منها شیا وهو قول ابی حنیفة رح .

وقال البدر العیني في العمدة ٣٩٢\١١ قال ابن المنذر فی الاشراف قول ابی حنیفة و ابی یوسف و محمد في سبیل الله هو الغازي

غیر الغني و عزو ابن المنذر الی ابي حنیفة و اصحابه اشتراط الفقر فی الغازي وْهمٌ بل مراده استحباب ذلک کما سبق فیما نقلناه من موطاء الامام محمد رح .

والقریب منه قول الامام الوسي في روح المعاني ۱۲۳۱۴ حیث قال وذکر بعضهم ان التحقیق ماذکره الجصاص في احکام القرآن ان من کان غنیا فی بلده بداره وخدمه وفرسه وله فضل دراهم حتی لاتحل له الصدقة فاذا عزم علی سفرجهاد احتاج بعدة وسلاح لم یکن محتاجا له في اقامته فیجوز ان یعطي من الصدقة وان کان غنیا فی مصره وهذا معنی قوله علیه السلام الصدقة تحل للغازي الغني فافهم ولاتغفل .

و حققت هذه المسئلة في الاربعین في فقه الجهاد و فضائله [و هو اثر آخر لهذا العبد الضعیف غیرمطبوع الی الآن] و ایضا ذکرها العلامة فضل محمد في دعوة الجهاد من ص ۲۷۴- ۲۸۴

یک مادر نذر کرده که اگر پسرم رها شد، تمام عمر روزه می گیرم

الاستفتاء : مرا امریکایی ها بندی کردند، هرگاه مادرم خبر شد نذر نمود که اگر پروردگار پسرم را به زودی از قید رها ساخت، تمام عمر روزه می گیرم. حالا مادرم از یک ماه به اینسو روزه می گیرد، اما بسیار ضعیف و مریض است، آیا او می تواند بجای روزه، فدیه بدهد ؟ (المستفتی : حمیدالله نبیل، قندهار)

الجواب : حامدا و مصلیا و بعد : اولا باید معلوم شود که مراد مادرتان از «زود» چقدر مدت است. اگر پسرش پس ازان مدت، رها شده باشد پس نذر نیست، هرچه در صورت اول اگر آن خانم از گرفتن روزه عاجز باشد، پس در بدل هر روز کمتر از دو کیلو گندم و یا قیمت آن را فدیه می دهد، و اگر از فدیه دادن هم عاجز باشد، پس استغفار را به کثرت بگوید.

ما في الهندیة ۲۰۹۱۱ ولواخر القضاء حتی صار شیخا فانیا اوکان النذر بصیام الابد فعجز عن ذلک أو باشتغاله بالمعیشة لکون صناعته شاقة فله ان یفطر و یطعم لکل یوم مسکینا علي ماتقدم و ان لم یقدر علی ذلک لعسرته یستغفرالله انه هو الغفور الرحیم .

و قال فی الدرالمختار فی آخرکتاب الصوم، نذرصوم رجب (الی قوله) اوصوم الابد فضعف لاشتغاله بالمعیشة افطر وکفّر کمامر، و فی ردالمحتار ۴۷۲۱۳ - ۴۸۹۱۳

قوله کفر، ای فدی، قوله کما مر، ای فی الشیخ الفانی من انه یطعم کالفطرة.

وفی ایمان شرح التنویر، و لونذر صوم الابد فأکل لعذر فدی ، وفی الشامیة قوله اکل لعذر ، وکذا لدونه ، ح قوله فدی ،ای لکل یوم نصف صاع من براوصاع من شعیر،وان لم یقدر استغفر الله تعالی کمامر ، ومثله في قاضیخان ۱۰۴ ج۲۱۱ ولونذر ان یصوم ابدا فضعف عن الصوم لاشتغاله بالمعیشة قال له ان یفطر ویطعم لکل یوم نصف صاع من الحنطة لانه استیقن أنه لایقدر علی قضائه فان لم یقدر علی ذلک لعسرته یستغفرالله تعالی .و مثله فی احسن الفتاوی ۴۷۷/۵

والله تعالی اعلم



صفحه ویژهٔ شیربچه های هندوکش

بخش دهم

ترتیب دهنده: محمد عمار رستاقی

نسب رسول اکرم صلی الله علیه وسلم وسلم

خالد: دیروز ما در مکتب در ساعت دینیات سیرت رسول الله صلی الله علیه وسلم را خواندیم.

ولید: سیرت رسول الله صلی الله علیه وسلم چیست؟

خالد: یعنی دربارهٔ نسب، افعال، کردار و تمام آنچه رسول الله صلی الله علیه وسلم از ولادت تا وفات نموده اند معلومات پیدا می کنیم.

ولید: چقدر خوب، کاشکی من هم کمی از سیرت رسول الله صلی الله علیه وسلم بدانم.

خالد: درست است، من برایت دربارهٔ نسب رسول الله صلی الله علیه وسلم می گویم.

نام رسول الله صلی الله علیه وسلم محمد و نام پدر ایشان عبد الله و نام پدر کلان شان عبد المطلب بود. نام مادر رسول الله صلی الله علیه وسلم آمنه بود. رسول الله صلی الله علیه وسلم را در طفلی زنی بنام حلیمهٔ سعدیه، شیر داده است و اورا پرورش کرده است که آنرا مادر رضاعی می گویند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در سالی که حبشی ها با فیل بر مکه معظمه حمله کردند تا آنرا از بین ببرند در مکه معظمه تولد شد. او در بیست و پنج سالگی با بی بی خدیجه ازدواج کرد. چهل ساله بود که بالای وی وحی نازل شد و الله تعالی اورا به پیامبری فرستاد. ایشان ده سال در مکه مردم را بسوی اسلام دعوت کردند سپس به مدینهٔ منوره هجرت کردند. به عمر ۶۳ سالگی در مدینهٔ منوره وفات کردند و قبر مبارک شان اکنون در مدینهٔ منوره در مسجد نبوی می باشد و تمام مسلمانانی که به حج و عمره می روند یکبار آنجا رفته و قبر مبارک شانرا زیارت می کنند.

رخصتی زمستانی

ولید: دیروز در مسجد قریه ما استاد مدرسه حفظ آمده بود.

خالد: خوب، چی گفت؟

ولید: استاد به مردم گفت که از همین رخصتی های زمستانی استفاده کنید و فرزندان تانرا به مدرسه برای حفظ قرآن کریم بفرستید. و گفت که در سه ماه زمستان رخصتی هر طفل تان می تواند از ۲ تا ۳ سپاره قرآن کریم را حفظ کند و به همین شکل در چند سال بدون تکلیف می تواند حافظ قرآن کریم شود.

خالد: خیلی خوب گپ است. من هم پدرم را می گویم مرا به این مدرسه ببرد. در این زمستان همه در خانه بیکار هستیم پس چرا قرآن کریم را حفظ نکنیم.

ولید: گپ خوب است، من هم همین حالا می روم خانه تا پدرم را بگویم مرا به مدرسه بفرستد.

اخلاق مجاهد

مجاهدین دارای اخلاق عالی می باشند. هرگز ممکن نیست که مجاهد عاری از اخلاق عالی اسلامی باشد. دیروز در مسجد ما نیز مجاهدین امارت اسلامی آمده بودند. آنان با مردم خیلی رویه، خوب کردند و مردم را اطمئنان دادند که امنیت و حفاظت از جان و مال مردم وظیفه مجاهدین امارت اسلامی است. آنان به مردم گفتند که هیچ کسی حق ندارد شما را آزار و اذیت کند. مجاهدین گفتند اگر کسی شما را آزار و اذیت کرد با نزدیک ترین مرکز ما در تماس شوید و ما را اطلاع بدهید.
در اخیر آنان با تمام نمازگزاران یک یک مصافحه و بغل کشی کردند و مولوی صاحب مسجد را خیلی احترام کردند و برایش گفتند که هرگاه هر کار و ضرورت باشد ما در خدمت هستیم. مولوی صاحب نیز از آنان تشکری کرد و گفت که مردم ما در زیر سایه، دولت مزدور و اجیر کابل خیلی به تنگ بودند و هر روز توسط پولیس، اردوی ملی و اشغالگران خارجی مورد آزار و اذیت قرار می گرفتند. حاجی صاحب عبد الله نیز به مجاهدین گفت که حالا بعد از آمدن شما ما نفس آرام گرفتیم و هیچ تشویش نداریم.

با خدا باش خداوند نگهدارت می باشد

شخص مسلمان و متقی بود. هرگز حرام نمی خورد و حتی به حیوانات خود نیز مال حرام را نمی داد. روزی شتر خودرا گرفت و روانه، صحرا شد تا از آنجا چوب بیاورد و در بازار بفروشد. چوب را گرفت و بر شتر خود بار کرد. وقتی دوباره بسوی خانه می آمد در راه خسته شد و در جایی که دیگر مسافرها استراحت می کردند او نیز استراحت کرد. وقتی برخاست، بار را بر شتر گذاشت اما شتر از جایش تکان نخورد. این شخص هر چی کوشش کرد نتوانست شتر را برخیزاند. متوجه شد که بار کس دیگری را بر شتر بالا کرده است. وقتی آن بار را پایان کرد و بار خودرا بر شتر گذاشت، شتر به عجله برخاست و در راه افتاد.

کورونا چرا آمده است؟

اطفال و نوجوانان عزیز!
هرگاه بندگان خداوند متعال در روی زمین گناه و نافرمانی کنند و اوامر خداوند متعال را بجا نیاورند، خداوند متعال برای تادیب آنها بعضی بیماری ها، آفت ها و عذاب ها را می فرستد. در قرآن کریم آمده است که خداوند متعال ملت های گذشته قبل از اسلام را احیانا با فرستادن طوفان و هوایی خیلی شدید از بین برده است. احیانا زمین را چاک کرده است و بعضی قوم ها را زیر زمین ساخته است. گاهی بعضی قوم ها را بخاطر گناه و نافرمانی شان به میمون (شادی) و خنزیر مبدل گردانیده است. طاعون و یا مرض های شدید مثل کرونا نیز عذاب الهی است که به سبب خشم و غضب خداوند متعال بر مردم نازل می گردد. مسلمانان باید با مشاهده چنین امراض و عذاب ها به خداوند جل جلاله رجوع کنند، توبه و استغفار کنند و الله تعالی را به یگانگی یاد کنند. رجوع به خداوند متعال می تواند این بیماری ها و عذاب ها را از مسلمانان دور کند.

بخش نزدهم

زندگان جاوید

مرتب : حبیبی سمنگانی

شهید حافظ صدیق الله مزمل – تقبله الله – :

شهید حافظ صدیق الله مشهور به «عبدالله مزمل» فرزند غلام نبی و نواسه محی الدین در سال ۱۳۷۳ هجری شمسی مصادف با ۱۹۹۵ میلادی در قریه «توتکی هزارسوم» در مربوطات ولسوالی پشتونکوت ولایت فاریاب در یک خانواده دین دوست چشم به جهان هستی گشود.

آموزش :

از آنجایی که خانواده شهید حافظ مزمل علاقه مند علوم قرآنی و نبوی بودند، دوست داشتند که پسر شان در عرصه علم و دانش مصدر خدمت به جامعه اسلامی گردد. پدر گرامی اش او را در سن ده سالگی نزد الحاج مولوی صاحب عبدالودود ارشد در مدرسه حقانیه واقع در بازار میاندره ولسوالی پشتونکوت گذاشت. شهید مزمل مدت ٦ سال دران مدرسه درس خواند.

خدمات جهادی :

شهید حافظ مزمل از آوان درسخوانی عاشق سنگر و شهادت بود و آرزوی هیشگی اش این بود که باید برای دفاع از دین و میهن و حاکمیت نظام اسلامی دست به مبارزه مسلحانه بزند.

همان بود که احساسات پاک ایمانی شهید مزمل - تقبله الله - وی را وادار ساخت تا برای رهایی کشور و ملت خود از چنگال استعمارگران و همنوایان شان، عملا وارد کارزار شود. او به سن ۱۷ سالگی به صف مجاهدین امارت اسلامی پیوست و فعالیت های جهادی اش را از گروپ داملا صاحب ریحان در ولسوالی خواجه موسی ولایت فاریاب آغاز نمود. او پس از مدتی به منطقه خود آمد و در گروپ داملا صاحب حزب الله مقاتل، مسئول جهادی ولسوالی پشتونکوت پیوست.

شهید مزمل در بیشتر عملیات های جهادی بر مراکز و پوسته های دشمن اشتراک می نمود. چون در زمان ایشان بیشتر عملیات های مجاهدین چریکی می بود، شهید مزمل مهارت خاصی دران عملیات ها داشت. او با تعدادی از مجاهدین در یک عملیات چریکی بالای پوسته حمار قومندان که از قومندانان مهم دشمن به شمار می رفت، درساحه اُمبگی ولسوالی خیبر، فاریاب که یکشب سرد زمستانی بود شرکت نمود، و لله الحمد پوسته فتح و به شمول قومندان نامبرده ۷ تن از ملیشه های اربکی جا بجا قتل و اسلحه و مهمات زیادی را به دست آوردند و بافتح این پوسته مناطق زیادی از لوث دشمن پاک گردید.

سپس شهید مزمل با قاری صاحب عبدالباسط

فاروقی یک گروپ جدید جهادی تشکیل دادند و هر روزه پلان عملیات های هجومی، چریکی و انفجارات را بر علیه دشمن طرح ریزی می کردند و دشمن در هیچ جای منطقه از دست ایشان در امن نبود. شهید مزمل در جریان این عملیات ها ۳ مرتبه از نواحی مختلف بدن جراحت برداشت. بار اول در منطقه میش مست، بار دوم در قریه بتو، و بار سوم در ساحه موقانی ولسوالی پشتونکوت، که هر بار پس از صحتیابی دوباره به صف مجاهدین یکجا می شد و در عملیات های متعددی سهم گرفت، و با شهامت و مردانگی نقش بارزی در پیروزی های مجاهدین داشت و از برکت ایشان فتوحات و پیشروی های چشمگیری نصیب مجاهدین شد.

اوصاف:

شهید مزمل جوان صادق، با دیانت، صابر، دلیر و دارای اخلاق حمیده بود، وخوشنودی الله سبحانه و تعالی و تنفیذ احکام الهی والا ترین هدف و آرمان وی بود. شهید مزمل در مدت سه سال قرآن کریم را در سنگر حین اجرای وظایف جهادی حفظ نمود و شب ها همیشه به نماز های تهجد و تلاوت قران کریم مشغول و به درگاه الله متعال راز و نیاز می کرد و آروزی شهادت داشت.

شهادت :

بالاخره این فرزند مبارز اسلام پس از تقبل تکالیف و زحمات فراوانی در راه دفاع از دین و میهن شب دو شنبه ۲۷ ماه مبارک رمضان ۱۴۳۹ هجری قمری که مصادف است با ۲۱ جوزا ۱۳۹۷ هجری شمسی در منطقه سرحوض ولسوالی پشتونکوت در یک عملیات رویاروی با دشمنان به سن ۲۶ سالگی به درجه عالی شهادت نائل گردید. اناالله و اناالیه راجعون. نحسبه کذالک والله حسیبه.

(با سپاس فراوان ابو حنظله فاریابی و قاری عبدالباسط فاروقی که جزئیات سوانح شهید را تهیه نمودند)



شهید مولوی عبدالهادی مطمئن - تقبله الله -:

شهید مولوی صاحب عبدالهادی مطمئن فرزند شهید ملا عبدالصبور در سال ۱۳۹۶ هجری قمری در یک خانواده متدین و دین دوست در ولسوالی برکی برک ولایت لوگر به دنیا آمد.

شهید مولوی صاحب مطمین درس هایی ابتدایی خود را نزد پدر گرامی اش آغاز نمود، سپس به عزم پاکستان رخت سفر بست و سلسله درسخوانی را در منطقه چرات (نوشهر، پشاور) و دیگر مدارس دینی آن کشور دوام داد. شهید مطمئن - تقبله الله - دوره حدیث را در دارالعلوم حقانیه تکمیل نموده، سند فراغت را ازان مهد درخشان علم و عرفان به دست آورد.

شهید مولوی صاحب پس از فراغت، مدت چند سال در مدرسه دارالنجاة (باغبانان، پشاور) مسند تدریس را زینت بخشید و سپس به وطن خود برگشت و سلسله تدریس را دران جا دوام داد. شهید مطمئن صاحب در زمان حاکمیت امارت اسلامی در مدرسه حمایت الجهاد در ولسوالی برکی برک مشغول تدریس بود.

هرگاه امریکایی ها افغانستان را اشغال کردند، شهید مولوی صاحب مطمین با چند تن رفقایش به جهاد مسلحانه در برابر امریکایی های اشغالگر آغاز نمودند. نیروهای اشغالگر در سال ۲۰۰۸ میلادی بر مولوی صاحب چاپه انداختند و او را با دو تن همسنگرانش به اسارت گرفتند. مولوی صاحب مطمئن مدت چهار سال را در زندان بگرام سپری نمود و در سال ۲۰۱۲ میلادی از قید کفار رهایی یافت.

شهید مطمئن - تقبله الله - فعالیت های جهادی خود را از سر گرفته، زمام دلگی خود را دوباره به دست گرفت. او به حیث عضو کمیسیون امور نظامی ولایت لوگر نیز ایفای وظیفه نمود. سپس در سال ۲۰۱۸ میلادی به حیث ولسوال ملکی ولسوالی برکی برک تعیین شد. این فرزند رشید دین و میهن بالاخره به تاریخ ۸ می ۲۰۱۹ میلادی در چاپه امریکایی های اشغالگر و غلامان شان در ولسوالی چرخ ولایت لوگر به مقام سعادت بخش شهادت سرفراز شد.

(با سپاس خاص از محترم ملا نورالهادی، پسر شهید مولوی صاحب مطمئن، که سوانح پدر بزرگوار شان را ارائه نمودند).

شهید ملا عبدالناصر خبیب - تقبله الله -:

شهید ملا عبدالناصر خبیب - تقبله الله - پسر عبدالشکور و نواسه مرحوم محمود، در سال ۱۳۷۴ خورشیدی در قریه بینک در مربوطات ولسوالی چهارسده ولایت غور به دنیا آمد و در دودمان دیندار، علم دوست و شهید پرور پرورش یافت. تمام اعضای خانواده او اهل علم و قلم بودند. شهید خبیب در آوان کودکی در کنار دروس ابتدایی و عقیدوی، با پدر بزرگوارش در پیشبرد امور زندگی نیز همکاری می نمود.

شهید خبیب دروس مقدماتی اش را در ولسوالی گرزیوان ولایت فاریاب نزد استادان توانا و برجسته خواند، سپس وارد شهر علم و معرفت «هرات» شده و برای حسن تربیت و فراگیری لسان عربی شامل دارالعلوم هرات شد. پس ازان در سال ۱۳۹۴ خورشیدی وارد مرکز علم و عرفان «دارالعلوم عالی هرات» شد. او چون جون کوشا و پرتلاش بود در امتحانات سالانه مدرسه به حیث ممتاز سوم کامیاب شد. سپس در سال بعدی با کسب موفقیت بیشتری، به رتبه ممتاز دوم ارتقا یافت. در سال ۱۳۹۶، دوره تکمله را نیز به حیث ممتاز دوم تکمیل نمود. شهید خبیب در سال ۱۳۹۷ نیز به روند درسخوانی دوام داد، اما بنا بر مشکلات پیش آمده نتوانست بدون اینکه درس های سال را تکمیل نماید، وارد صحنه عمل شد.

شهید خبیب - تقبله الله - در آوان تعلم نسبت به حوادث جهان بی اعتنا نبود. چون در عصر حاضر فعالیت های دشمن بسیار گسترده شده و سائر امور مسلمانان به ویژه کشور اشغال شده افغانستان را به دست خود گرفته اند، لازم است که اهل علم و دانش اوضاع کشور و ملت را نادیده نگیرند. آنانی که دین را از سیاست جدا می دانند در حقیقت مسلمانان را به خودکشی اجتماعی و ملی فرا می خوانند.



از اینجاست که خبیب - تقبله الله - رهسپار سنگر جهاد شده، تحت زعامت امرای مخلص و فداکار امارت اسلامی، با کمال اخلاص و صداقت به جهاد و مقاومت آغاز نمود.

سرانجام سنت الهی در حق این فرزند فرزانه اسلام تحقق یافت و او پس از مبارزه خستگی ناپذیر بالاخره در نتیجه حمله مردانه وار بر مرکز دشمن اجیر در منطقه پشتوکوه ولسوالی شیندند، پس از رویارویی شدید و به انجام رسانیدن ۱٦ تن از عساکر اجیر، همراه با یکتن از همسنگرانش پس از اسیر شدن در اثر شکنجه دشمن با زمزمه «فزت و رب الکعبه» جام شیرین شهادت را نوشید و به دیدار رب محبوب خود شتافت.

جنازه او در همان جا با حضور ده ها تن از بزرگان امارت اسلامی ادا گردید و در کنار دیگر همسنگران شهید، از جمله مجاهد نستوه شهید ملا غلام رسول کامران، در دیار مسافرت و به دور از خانه در منطقه سری بند ولسوالی شیندند به خاک سپرده شد.

(با سپاس بی پایان از محترم ملا احمد زعیم که جزئیات سوانح شهید خبیب را تهیه نمودند).



اعلامیه ها و پیام های رسمی امارت اسلامی افغانستان

اعلامیه کمیسیون سمع شکایات و جلوگیری از تلفات ملکی امارت اسلامی افغانستان

به ملت مجاهد و غیور افغانستان !

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

پیش از همه چیز، به هر یکی از شما این پیروزی بزرگ به نصرت پروردگار را تبریک می گوییم و از قربانی ها، فداکاری ها و دلاوری های تان سپاسگزاریم.

یقینا، قیمت این کامیابی بزرگ را شما پرداخته اید، دوشادوش مجاهدین خود ایستاده اید، قربانی های جانی و مالی داده اید، زنان و کودکان و تمام اعضای خانواده را به کام مرگ داده اید، عروسی ها، جنازه ها و دیگر مراسم شما بمباردمان شد، خوشی تان به غم و غم تان به دو چند تبدیل شد. اما با این همه دشواری ها، باز هم وجیبه خود را انجام دادید و خود را به این هدف مقدس رسانیدید.

ان شاء الله باور داریم که که این قربانی شما بی جا نیست، مسؤلیت خود را در دنیا ادا نمودید و این پیروزی بزرگ نصیب شما شد و در آخرت نیز امید پاداش های بزرگی را برای شما داریم.

همچنان پس ازین برای تمام ملت خود اطمینان می دهیم که تلفات ملکی کاهش قابل توجهی خواهد یافت و حتی به اندازه صفر خواهد رسید. اما باز هم، اگر خدانخواسته واقعه ای رخ می داد و یا بر اثر آفات طبعی و حوادث ترافیکی شاهراه ها تلفات ملکی رخ می داد، کمیسیون مذکور همانند گذشته خود را برای بررسی و جلوگیری ازان متعهد می داند.

کمیسیون سمع شکایات و جلوگیری از تلفات ملکی، یادآوری می کند که اگر هر کسی از مجاهدین و مسئولین امارت اسلامی افغانستان شکایت داشت، با کمال جرات می تواند به کمیسیون ما مراجعه نماید و شکایت های واقعی و بجای خود را از طریق شماره های ذیل و ایمیل ذیل ثبت کند. والسلام.

امارت اسلامی افغانستان

کمیسیون سمع شکایات و جلوگیری از تلفات ملکی

۱۴۴۱/۷/۶هـ ق

۱۳۹۸/۱۲/۱۱هـ ش ۲۰۲۰-۰۳-۰۱م

آدرس ایمیل : Molkietalafat.m@yahoo.com

شماره تماس : ۰۷۰۷۹۱۸۳۸۴

شماره واتساپ : ۰۷۹۴۷۱۷۹۴۶

شماره مخابره : ۵۳۵۷

اعلامیه امارت اسلامی در مورد تخطی های مکرر جهت مقابل از توافقنامه امضا شده با امریکا

به تاریخ ۲۹ ماه فبروری سال جاری میلادی، امارت اسلامی افغانستان توافقنامه صلح را با ایالات متحده امریکا امضا نمود، که سپس شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز این توافقنامه را تائید کرد و جهان نیز آن را ستود و آنرا چهارچوب خوبی برای حل معضل افغانستان خواند.

امارت اسلامی تا اکنون به توافقنامه متعهد مانده و مواد آن را کاملا رعایت کرده است. مقامات امریکایی نیز پذیرفته اند که نیروهای امارت اسلامی بر توافقنامه انجام یافته عمل کرده اند. امارت اسلامی برای مذاکرات با جهات افغانی نیز بارها آمادگی نشان داده است، تا به حل دائمی و صلح سرتاسری در کشور برسیم. اما پیش از ان باید طبق توافقنامه پنج هزار زندانیان امارت اسلامی رها شوند، که متاسفانه تا اکنون به بهانه های مختلف به تاخیر افتاده است.

به اساس توافقنامه امضا شده، تا آنکه در نتیجه مذاکرات بین الافغانی توافق جداگانه ای با جهات افغانی صورت نگرفته و به آتش بس همه جانبه نرسیده ایم، امارت اسلامی بر تمام مراکز نظامی اداره کابل، اعم از اینکه در مناطق روستایی باشد یا شهری، حملات انجام داده می تواند، اما امارت اسلامی بازهم از این کار دست گرفته است، نه در شهرهای بزرگ بر مراکز آنها حملات انجام داده و نه هم مراکز بزرگ نظامی آن ها را مورد عملیات قرار داده اند، تنها بر بعضی پوسته های مناطق روستایی که مردم ازان بسیار به تکلیف هستند حملات انجام شده، که آن هم نسبت به سال گذشته بسیار کم است. اما از جانب امریکایی و همکاران داخلی و خارجی آن ها تخطی های علنی در برابر ما صورت گرفته، که درج ذیل می باشد:

- رهایی ۵ هزار زندانیان به دلایل غیر موجه تا اکنون به تاخیر افتاده است.
- بر مراکز مجاهدین که در ساحات جنگی هم نیست، مکررا حملات صورت گرفته است.
- بر جاهای زیادی به شمول مردم ملکی از سوی نیروهای امریکایی و داخلی چاپه زده شده.
- در اماکن مردم ملکی حملات بی مورد درون و بمباردمان انجام یافته.
- در ساحات زیر کنترول ما، بر مجاهدین عادی که پهره می کنند یا در حال رفتن در راه می باشند و هیچ درگیری هم در ان جا رخ نداده باشد، حملات درون صورت گرفته است.
- در هلمند، قندهار، فراه، قندوز، ننگرهار، پکتیا، بدخشان، بلخ و دیگر بخش های کشور سرپیچی های زیادی از توافقنامه شده، که ما جزئیات آن را از طریق کانال ارتباطی وقت به وقت با امریکایی ها شریک هم ساخته ایم.

چون درین موارد شاهد بی پروای های پیهم هستیم، از جهت امریکایی جداً می خواهیم که خودشان هم محتویات توافقنامه را رعایت کنند و دیگر همکاران شان را نیز به رعایت کامل توافقنامه متوجه بسازند. هر گونه حملات، چاپه ها و بمباردمان بر مجاهدین امارت اسلامی در علاوه از ساحه و وقت مشخص جنگ، اعمال تحریک کننده و تخطی های علنی است، اگر این تخطی ها دوام یابد، فضای بی اعتمادی به میان می آید و نه تنها به توافقنامه زیان می رساند؛ بلکه مجاهدین را نیز به واکنش متقابل مجبور می سازد و سطحه جنگ را بلند خواهد برد.

امارت اسلامی افغانستان
۱۴۴۱/۸/۱۲هـ ق
۱۳۹۹/۱/۱۷هـ ش ــ ۲۰۲۰/٤/٥م



بزم شعر و ادب

گرداننده: ابوعابد

ماه تابان هدایت

ماه تابان‌تر ز ماه آسمان
ابر رحمت بر فراز این جهان

آذرخشی در دل شب‌های تار
آفتاب عدل و احسان بی‌گمان

بوی گل آید ز نام اطهرش
احمد و محمود برتر از شهان

او چو نوری پرتو افشانی کند
انجمن با نور ایشان دُر فشان

آن کویر خشک دل‌ها زنده شد
تا ز بطحا ابر رحمت شد عیان

جهل و ظلمت پاره شد از رعد او
از برائت مائده هم از دخان

او چراغ محفل انسان و جن
ماه تابان هدایت هر زمان

گفتُ یاسین گفت طاها کردگار
قاصر آید بهر نعتش هر زبان

ای مهاجر نعت مولا گو به شعر
تا که شاید شافعت گردد همان

محمد داود مهاجر
۲۰ شعبان المعظم ۱٤٤۱ هـ ق

ترانهٔ فتح

جهاد خوانده بگوش زمان ترانهٔ فتح
تفنگ و تیغ و سنان نیست جز بهانهٔ فتح

از آن زمین که بخون شهید شد رنگین
به نورهی بدر آورده سر جوانهٔ فتح

فگنده خشم تو آتش بکاخ استعمار
رسیده دور ظفر آمده زمانهٔ فتح

تفنگ از پی چند سال رزم بی زینهار
خروش برکشد اینک به شادیانهٔ فتح

عدو که غافل از ایمان استوار تو بود
نشد حریف تو ای عزم تو نشانهٔ فتح

بدیده موج بلا را بسی سفینهٔ رزم
ز قعر لانهٔ گرداب تا کرانهٔ فتح

بقای حاصل این رزم جز به وحدت نیست
خلل پذیر تفرق مباد خانهٔ فتح

شهید مژده

نړی پرېوتله

د رب په مرسته شوه نسکوره نړۍ پرېوتله
دغــه مغـروره او ســر زوره نړۍ پرېوتله

افغانستان ورته الله روډِ نیل وګرځاوهٔ
د فرعونیانو مور خونخوره نړۍ پرېوتله

د سپين بيرغ د سپين کاروان د سپينو هيلو ښکار شوه
دغــه بدرنګه دغه توره نړۍ پرېوتله

سپينه طالبه ستا د دې سپينې پګړۍ سيوري ته
ستا له هيبته دا سرتوره نړۍ پرېوتله

دا چې په مونږ يې خوب خندا او ژوندون نه لورېدهٔ
لــه هـغــه شر ، له هغه شوره نړۍ پرېوتله

د هر شهيد يتيم بچی په مينه مينه ښکل کړه
تــبريکي ورکړه ورته ګوره نړۍ پرېوتله

اوس دا پرېوتی ملت ټول له تانه هيله لري
لاس ورکوه طالبه وروره نړۍ پرېوتله

غــازي ولــس ورته مفتونـه دماغ ولــړزول
په ټيټو سترګو ځي مفتوره نړۍ پرېوتله

اکرام الدين مفتون

تماشای بهار

بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار
خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

بلبلان وقت گل آمد که بنالند از شوق
نه کم از بلبل مستی تو، بنال ای هشیار

آفرینش همه تنبیه خداوند دلست
دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود
هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

کوه و دریا و درختان همه در تسبیح‌اند
نه همه مستمعی فهم کنند این اسرار

خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند
آخر ای خفته سر از خواب جهالت بردار

هر که امروز نبیند اثر قدرت او
غالب آنست که فرداش نبیند دیدار

تا کی آخر چو بنفشه سرِ غفلت در پیش
حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار

کی تواند که دهد میوه الوان از چوب؟
یا که داند که برآرد گل صد برگ از خار

وقت آنست که داماد گل از حجله غیب
به در آید که درختان همه کردند نثار

آدمی‌زاده اگرِ در طرب آید نه عجب
سرو در باغ به رقص آمدهٔ و بید و چنار

باش تا غنچه سیراب دهن باز کند
بامدادان چو سر نافهٔ آهوی تتار

مژدگانی که گل از غنچه برون می‌آید
صد هزار اقچه بریزند درختان بهار

باد گیسوی درختان چمن شانه کند
بوی نسرین و قرنفل بدمد در اقطار

ژاله بر لاله فرود آمده نزدیک سحر
راست چون عارض گلبوی عرق کردهٔ یار

باد بوی سمن آورد و گل و نرگس و بید
در دکان به چه رونق بگشاید عطار؟

سعدیا راست روان گوی سعادت بردند
راستی کن که به منزل نرود کجرفتار

حبذا عمر گرانمایه که در لغو برفت
یارب از هر چه خطا رفت هزار استغفار

درد پنهان به تو گویم که خداوند منی
یا نگویم که تو خود مطلعی بر اسرار

شیخ سعدی رحمه الله

کمک با فقراء یک مسئولیت اخلاقی

چهل سال جنگ و حالت نابسامان کشور، مردم عام را با وضعیت رقت بار مواجه نموده است ، تا حدیکه به سختی می توانند مایحتاج اساسی و اولیه زندگی را بدست آوردند، حال بحران تازۀ جهانی (کرونا) نیز این مشکلات اقتصادی را دو چندان کرده است.
در هژده سال اخیر در نتیجه غصب، احتکار، سود و فسادهای دیگر اقتصادی حاکمان نااهل، باشندگان شهرهای افغانستان را به دو طبقه تقسیم نموده است، یک اقلیت کمتر که قدرت حکومتی و منابع اقتصادی بدست دارند، حساب های بانکی میلیونی دارند و توسط استثمار و حرامخوری نارواِ، سرمایه های خود را می افزایند و به حساب های بانکی خود در خارج از کشور می فرستند. اما بالمقابل اکثریت مطلق هموطنان شهری ما، مردم نادار و فقیری هستند که بذریعۀ بهره و دست مزد روزانۀ خود چرخ روزگارشان خود را می گردانند.
حال که زندگی نورمال شهری بخاطر بیماری کرونا متوقف شده، محلات کار، حمل و نقل و دیگر فعالیت های اقتصادی راکد و تعطیل است، متعاقب آن دست مزد و مدرک کسب و کار اکثریت شهروندان نیز معطل شده است. این حالت بحران کمبود مواد اولیه را بوجود آورده و اکثریت شهروندان را با مشکلات عدیده یی مواجه نموده است.
از سوی دیگر بیرون از شهرها، مردم مناطق دوردست و قریه جات که با حاصلات کشتزارهای خود زندگی را می گذراندند، بحران کرونا در یک چنین زمانی همه گیر شده است که گندم و دیگر حبوبات تا هنوز نرسیده اند، که طبعا در چنین موسم سال بخاطر نرسیدن حبوبات، میوه جات و دیگر حاصلات، مردم با کمبود مواد خوراکی مواجه می شوند. این حالت زمینه را برای یک بحران وسیع کمبود مواد خوراکی هموار کرده است، که اگر برای جبیره کردن آن تلاش صورت نگیرد، بسیاری از هموطنان فقیر و تهی دست ما را با وضعیت رقت باری مواجه خواهد کرد.
لله الحمد ما یک ملت اسلامی هستیم. دین مبین اسلام ما را رهنمایی می کند که از احوال مردم تهی دست جویای حال شویم، اگر برادر مسلمان ما نان ندارد، نان خود را با او نصف کنیم و در حل مشکلات زندگی اخلاص و کمک خود را از آنها دریغ نکنیم.
اگر ملت مؤمن ما در چنین حالات امتحانی به رهنمودهای زرین اسلام عمل کند، حقوق همسایگان، تهی دستان، فقیران، بیماران و دیگر مسلمانان را بجا آورده و هر مسلمان فریضه احسان و صله رحمی با دیگران را عملی کند. بدون شک ملت مؤمن ما از این آزمون با موفقیت بیرون خواهد آمد. زیرا با تعمیل رهنمودهای اسلامی، برکات الله متعال نازل می شود، الله متعال نصرت مؤمنان را می کند و ابتلاء آسان می شود.
امارت اسلامی افغانستان که خدمت و کمک به ملت مسلمان خود را فریضه ایمانی و وجدانی خود می داند، از هموطنان توانگر و غنی می خواهد که با هموطنان فقیر و ناتوان خود کمک کنند. هر هموطن دارا و توانمند باید در مسجد، قریه و در محله شهر خود اقدام به کمک به ادارات خیریه و مردم محتاج کند، تا هیچ یک از برادران مسلمان و هموطن ما از کمبود مواد خوراکی رنج نبرد. هموطنان باید در چنین حالات اضطراری فریب تبلیغات مقامات دروغگو و فاسد را نخورند و نه هم به امید کمک های چهار و نیم کیلویی گندم آنها بنشینند. مقامات فاسد که خون رگهای این ملت را می مکند، هیچ احساس و عاطفه یی ندارند که درد و رنج افغان های فقیر و نادار را حس کنند.
حال که ماه مبارک رمضان نزدیک است، این ماه عبادات و صدقات به ما بیشتر پیام برادری، همدلی و همدردی می دهد، پس باید همسایگان و مردم فقیر را فراموش نکنیم.

(برگرفته از «سخن روز» الاماره - دری)

Haqiqat

Islamic, Political & Jihadi Bimonthly Magazine





معرفی کتاب:

به سلسله معرفی کتاب‌های ارزشمند که توسط کمیسیون امور فرهنگی بخش تالیف و ترجمه، چاپ و منتشر شده است این بار کتاب شعر "چهچهه تفنگ من" مجموعه اشعار حماسی و انقلابی شاعر جوان و مجاهد بیدارگر شهید سمیع‌الله سلحشور در صحافت و دیزاین عالی چاپ گردیده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است؛ واحد معرفی کتاب مجله حقیقت خوانندگان عزیز خود را به خوانش و استفاده اعظمی از این مجموعه اشعار زیبا سفارش می کند.

(واحد معرفی کتاب مجله حقیقت)